

# باطل بودن ازدواج متعه با دلیل از قرآن و سنت

تألیف:

شیخ عبدالله بن زید آل محمود

رئیس سابق دادگاه‌های شرعی و امور دینی قطر

ترجمه:

گروه علمی فرهنگی مجموعه موحدین

عنوان کتاب:	باطل بودن ازدواج متعه با دلیل از قرآن و سنت
عنوان اصلی:	بطلان نکاح المتعة بمقتضى الدلائل من الكتاب والسنة
تألیف:	شیخ عبدالله بن زید آل محمود
ترجمه:	گروه علمی فرهنگی مجموعه موحدین
موضوع:	عقاید (کلام) - بررسی عقاید مذهبی شیعه (زیارت قبور، شفاعت، علم غیب، امامت و مهدویت، خمس)
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	آبان (عقرب) ۱۳۹۷ ه.ش - صفر ۱۴۴۰ ه.ق
منبع:	کتابخانه قلم <a href="http://www.qalamlib.com">www.qalamlib.com</a>



این کتاب از سایت کتابخانه قلم دانلود شده است.

[www.qalamlib.com](http://www.qalamlib.com)

[book@qalamlib.com](mailto:book@qalamlib.com)

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

[www.qalamlib.com](http://www.qalamlib.com)

[www.mowahedin.com](http://www.mowahedin.com)

[www.islamtxt.com](http://www.islamtxt.com)

[www.videofarsi.com](http://www.videofarsi.com)

[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)

[www.zekr.tv](http://www.zekr.tv)

[www.sadaislam.com](http://www.sadaislam.com)

[www.mowahed.com](http://www.mowahed.com)



[contact@mowahedin.com](mailto:contact@mowahedin.com)

محتوای این کتاب لزوماً بیانگر دیدگاه سایت کتابخانه قلم نمی‌باشد؛ بلکه بیانگر دیدگاه نویسنده آن است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	أ
مقدمهٔ کتابچه.....	۱
نامه‌ای به خاقانی.....	۳
نیاز به ازدواج از جمله ضرورت‌هایی نیست که امور ممنوع مانند زنا و متعه را مباح کند.....	۲۶
جناب شیخ عبدالله بن زید آل محمد، رئیس دادگاه‌های شرعی و امور دینی کشور قطر.....	۵۰

## مقدمه کتابچه

ستایش فقط از آن الله است و درود و سلام بر کسی باد که پیامبری پس از او نیست.  
اما بعد:

ازدواج شرعی یکی از سنت‌های پیامبران و از جمله ضرورت‌های بقای انسان‌ها است که بوسیله آن پاکدامنی و نیکوکاری و حفظ اصل و نسب به دست می‌آید.

پیامبر ﷺ در حدیث صحیح می‌فرماید: «لَكَيْتِي أَصُومُ وَأُفْطِرُ، وَأُصَلِّي وَأَرْقُدُ، وَأَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ، فَمَنْ رَغِبَ عَنِّي فَلَئْسَ مِنِّي»<sup>۱</sup> یعنی: اما من روزه گرفته و افطار می‌کنم، نماز خوانده و می‌خوابم و با زنان ازدواج می‌کنم، بنابراین هر کس از روش من رویگردان شد از من نیست.

و نکاح، ازدواج نامیده نمی‌شود مگر اینکه از راه شرعی باشد و الله - سبحانه - این ازدواج را مشروع نموده تا تنها راه ارتباط میان مرد و زن باشد و هر ارتباطی که خارج از چارچوب ازدواج شرعی - با ارکان و شروط آن - میان مرد و زن صورت گیرد ارتباطی حرام است که اسلام به شدت با آن مبارزه می‌کند.

با این وجود، هر از چندی به مباح شدن انواعی از ازدواج که خارج از چارچوب ازدواج شرعی است دعوت سر داده می‌شود، که از جمله آن‌ها فراخوانی است که برخی، در این روزها به حلال بودن ازدواج متعه و ضرورت انجام آن در وقت حاضر سر می‌دهند.

---

۱ - متفق علیه. به روایت انس بن مالک رضی الله عنه.

ازدواج متعه اگر چه در زمان جاهلیت و ابتدای بعثت مباح بوده است، مانند مباح بودن ربا و مشروب و نماز خواندن به سوی غیر کعبه، اما پس از آن، رسول الله ﷺ ازدواج متعه را به صورت همیشگی و تا روز قیامت حرام اعلام نمود.

و این کتابچه، ردی آرام، همراه با دلیل‌های شرعی و منطقی بر ادعاهای کسانی است که ازدواج متعه را روا می‌دانند، و سستی دلیل‌هایشان و کجی مقصدشان و کوتاهی حجتشان را آشکار می‌سازد. بلکه دلیلشان را حتی علیه خودشان می‌گرداند، زیرا تنها دلیل آن‌ها در این زمینه حدیث ابن عباس رضی الله عنهما می‌باشد که نیمی از حدیث را گرفته و نیم دیگر را رها می‌کنند، چنانکه قولی را گرفته و دیگر اقوال را رها می‌کنند ﴿أَفْتَوْمُنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ﴾ [البقرة: ۸۵] «چرا پاره‌ای از [احکام] کتاب [خدا] را می‌پذیرید و برخی دیگر را انکار می‌کنید؟ سزای هرکس از شما که چنین کند، جز رسوایی در زندگی دنیا نیست و روز رستاخیز هم به سخت‌ترین عذاب بازبرده خواهند شد؛ و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست».

چرا که خود ابن عباس رضی الله عنهما به صراحت بیان می‌کند که ازدواج متعه حرام گشته است، مانند حرمت خودمرده، خون و گوشت خوک، و اینکه ابن عباس بشری است که اشتباه می‌کند و پیش از او قرآن کریم متعه را تحریم کرده است، چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ﴾ ﴿۳۰﴾ فَمَنْ أَبْتَعِيَ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿[المعارج: ۳۰-۳۱]﴾ «مگر در برابر همسرانشان یا کنیزانی که در

اختیارشان قرار گرفته است، که [در این صورت] مورد ملامت نخواهند بود؛ و آنان که فراتر از این را بخواهند، تجاوزگردند».

بنابراین قرآن و سنت و اجماع مسلمانان بیانگر حرام بودن ازدواج متعه است. از الله می‌خواهیم که گام‌هایمان را استوار بگرداند و ما را از کسانی قرار دهد که سخن را شنیده و به نیکوترین آن‌ها عمل می‌کند.

\*\*\*

### نامه‌ای به خاقانی

از عبدالله بن زید آل محمد - رئیس دادگاه‌های شرعی و امور دینی - به عیسی عبدالحمید خاقانی.

اما بعد:

من مقاله‌ات را که در روز جمعه ۱۹۷۹/۲/۲۰ میلادی از تو صادر شده را دریافتم و تشویق پسران و دختران جوان برای لذت جویی از یکدیگر با ازدواج متعه را شنیدم، ازدواجی که در آن، مرد برای یک روز یا یک هفته و با کرایه‌ای مشخص و معلوم زن را به اجاره می‌گیرد. فتنه‌ای در میان جوانان به پا کرده‌ای تا اخلاق و ازدواج‌های شرعی را میانشان به تباهی کشانده و آن‌ها را به مباح دانستن حرام مطلق بکشانی که علما آن را از جمله زنای جاهلیت برشمرده‌اند.

و نصوص قطعی و آشکار از رسول الله ﷺ درباره حرام بودن آن تا قیامت وارد شده و احادیث آن مشهور است و در این کتابچه آن را آورده‌ام.

صحیح‌ترین آن‌ها روایتی است که در صحیحین از امام علی علیه السلام وارد شده که گفت: «ذَهِيَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنِ الْمُتَعَةِ عَامَ خَيْبَرَ» یعنی: رسول الله ﷺ در سالی که خیبر فتح شد ازدواج متعه را منع فرمود.

همچنین از او روایت شده که گفت: «اگر کسانی را که متعه کرده‌اند نزد من آورند حتماً آن‌ها را رجم می‌کنم». و در صحیح مسلم همانند آن از سبرة بن معبد وارد شده است. همچنین سلمة بن اکوع حرام بودن متعه را از رسول الله ﷺ روایت نموده است.

صحابه رضی الله عنہم بر حرام بودن آن اجماع نمودند همانگونه که بر حرام بودن زنا اجماع داشتند و همهٔ مسلمانان در شرق و غرب زمین، بر حرام بودن ابدی آن تا قیامت اجماع دارند و توجهی به تکروی شیعه که آن را مباح می‌دانند، نمی‌شود چرا که به سخن شاذ نباید توجه کرد ... از طرفی دیگر خود شیعیان آن را برای خویشتن و نسبت به محارم و دخترانشان انجام نمی‌دهند و نشنیده‌ایم که یکی از آن‌ها چه از میان ثروتمندان یا فقرایشان دختر یا کنیزش را به مدت یک هفته یا یک ماه برای متعه به مردی اجاره دهد، بنابراین آن‌ها بیش از دیگران از این کردار زشت دوری می‌کنند و به شدت از آن بیزارند چرا که به باطل بودن و جایز نبودنش باور دارند.

و تو تلاش می‌کنی که مردم را از باور درستشان منحرف ساخته سپس با سخنان فریبنده و آراسته آن‌ها را به بی‌بند و باری بکشانی. به نظر می‌رسد هدف ایجاد فتنه در این سرزمین است و هر کس بخواهد در میان ما فتنه ایجاد کند در برابرش خواهیم ایستاد.

و از آنجایی که من رئیس دادگاه‌های شرعی و امور دینی هستم، با قاطعیت تو را از برانگیختن فتنه‌هایی اینچنینی که مردم را از باور درستشان منحرف کرده، سپس به سوی بی‌بند و باری می‌کشاند منع می‌کنم؛ اگر کار تو به خاطر جهل بوده، معذورت می‌داریم ولی اگر به هدف ایجاد فتنه میان اهل سنت باشد برکنارت می‌کنیم.

وظیفه تو پابندی به آدابی است که به مصلحت خودت و ما بوده و اجتناب از فتنه انگیزی و بیان اقوال شاذ می باشد؛ زیرا حرام بودن متعه امری آشکار است و غبار شک و تردید بر آن نمی نشیند. در نوشته ما، آنچه تشنه را سیراب کرده و در صحت آن تردیدی راه نمی یابد را خواهی یافت و امیدوارم که برای تو، بسان پندی سودمند باشد و آنکه با شنیدن دست بکشد کار نیکی کرده است. و السلام.

شیخ عبدالله بن زید آل محمود  
رئیس دادگاه های شرعی و امور دینی

\*\*\*



## بسم الله الرحمن الرحيم

ستایش از آن الله است، سپس درود و سلام می‌فرستیم بر محمد فرستاده الله و بر اهل بیت و یارانش و کسانی که روش او را در پیش گرفته و پیرو هدایتش شدند، اما بعد:

مقاله‌ای که از سوی یکی از علمای شیعه<sup>۱</sup> صادر شده بود را مشاهده کردم که در آن گفته بود متعه با زنان مباح است و پسران و دختران جوان را به گشودن درهای لذت‌جویی از یکدیگر بوسیله ازدواج موقت، به مدت یک روز یا دو روز یا یک هفته و یا یک ماه تشویق می‌کرد تا بدین وسیله بدون تحمل مسئولیت‌های ازدواج شرعی که انجام آن و پیامدهایش از جمله مهریه و نفقه برایشان دشوار است، شهوت خویش را اشباع کنند.

و این دعوتی بی‌پرده به گشودن دروازه‌های زنا و ورود در آن است و سبب می‌شود جوانان از ازدواج شرعی منصرف شوند در حالی که نزد همه علمای مسلمان هیچ جایگاهی ندارد زیرا باطل بودن آن در قرآن و سنت و اجماع کاملاً آشکار است.

از طرفی دیگر این شخص برای تأیید نظر خویش از روایت‌های باطل و ناصحیح و احادیث نسخ‌شده دلیل می‌آورد. می‌گوید بخاری در کتابش چنین گفته، مسلم چنین ذکر کرده و رازی چنان گفته است در حالی که، حقیقت ندارد و در گفتارش یک حدیث کامل با لفظ و معنایش نیافتیم و هنگامی که حدیثی آورده، مانند حدیث امام علی علیه السلام که رسول الله صلی الله علیه و آله در ابتدای اسلام در مورد متعه اجازه دادند سپس در سال خیبر و پیش از فتح

مکه، به صورت نهایی و کامل و همیشگی تا قیامت آن را نهی نمود، می بینی که به قسمت نسخ شده یعنی آنجا که می گوید پیامبر ﷺ در مورد متعه اجازه داد، استدلال کرده و نسخ کننده را رها می کند تا مردم را بفریبند و ندیدم که وی حدیثی صحیح بیاورد که درستی نظرش را تأیید کند مگر اینکه آن حدیث منسوخ بوده و عمل به آن باطل است.

اولین جمله ای که مقاله اش را با آن آغاز می کند چنین است: «همانا متعه مباح بود و اولین کسی که آن را حرام کرد خلیفه دوم بود» یعنی: عمر بن خطاب رضی الله عنه؛ بنابراین او تلاش می کند حرام بودن متعه را به عمر بچسباند تا از این طریق حرام بودن آن را برداشته و رسول الله صلی الله علیه و آله را از آن مبرا کند، و این کار وی به خاطر نداشتن شناخت نسبت به احادیث نسخ کننده و اجماع صحابه بر حرام بودن آن نیست بلکه این کارش برای فریب مردم است چنانکه الله سبحانه و تعالی فرموده: ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [آل عمران: ۷۱] «ای اهل کتاب، چرا حق را به باطل مشتبه می کنید و آگاهانه حقیقت را پنهان می دارید؟»

و بُس حق بوسیله باطل، همان پوشاندن آن است به گونه ای که باطل در سیمای حق جلوه گر شود در نتیجه شخص، باطل خویش را در سیمای حق برای مردم به نمایش می گذارد در حالی که حقیقت آن باطل است. و از وسایل این تدلیس و فریب، پنهان کردن حق و عدم بیان آن می باشد، چرا که اگر حق را برای مردم بیان کند، آن ها نادرستی گفتارش را می فهمند.

مباح بودن متعه در آغاز اسلام به خاطر این بود که مردم هنوز در حالت جاهلیت به سر می بردند و این یکی از انواع ازدواج هایشان بود و در قرآن نام ﴿مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ﴾ [النساء: ۲۵] «گرفتن دوست پنهانی» بر آن نهاده شده

است. همانگونه که در صحیح بخاری از ابن شهاب روایت شده که گفت: عروۀ بن زبیر مرا خبر داد که عائشه رضی الله عنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله به وی خبر داده که ازدواج در جاهلیت به چهار شکل بوده است: از جمله آنها ازدواجی است که امروزه مردم انجام می‌دهند، مرد از شخصی دخترش یا کسی که تحت سرپرستی‌اش است، را خواستگاری می‌کند پس مهریه را به دختر داده سپس با او ازدواج می‌کند. و ازدواجی دیگر اینگونه است که هنگامی که زن از همبستری شوهرش پاک شد، شوهرش به او می‌گفت که به نزد فلانی برو و از او درخواست آمیزش بکن و شوهرش از زن کناره می‌گرفت و هرگز با او نزدیکی نمی‌کرد تا اینکه بارداری‌اش از آن مرد که زن با او همبستر شده بود آشکار شود پس هنگامی که مشخص شد زن باردار است همسرش اگر خواست با او آمیزش می‌کرد و این کار را به خاطر علاقه به نجیب شدن فرزند انجام می‌دادند که این ازدواج نامش نکاح استبضاع بود. و ازدواج دیگر به این صورت بود که گروهی کمتر از ده نفر گرد آمده و همگی بر زنی وارد شده و با او آمیزش می‌کردند پس هنگامی که زن حامله می‌شد و بچه‌اش متولد می‌گشت و چند شب از وضع حمل می‌گذشت به سوی آنها می‌فرستاد و هیچ یک از مردان نمی‌توانست امتناع ورزد تا اینکه همگی نزدش جمع می‌شدند و به آنها می‌گفت: شما از کارتان خبر دارید و من اکنون بچه دار شده‌ام پس این فرزند تو است ای فلانی. هر کس را که دوست داشت با اسمش صدا می‌زد و فرزند به او نسبت داده می‌شد و آن مرد نمی‌توانست خودداری کند. و ازدواج چهارم به این صورت بود: افراد بسیاری با زنی آمیزش می‌کردند و او کسی را منع نمی‌کرد آنها بغیا (فاحشه) نام داشتند پس هنگامی که یکی از آنها باردار شده و وضع حمل می‌کرد مردان را نزدش گرد می‌آوردند و برای آنها چهره‌شناس را فرا می‌خواند سپس فرزند را به کسی که او تشخیص می‌داد منسوب می‌کردند

پس به او نسبت داده شده و فرزندش خوانده می‌شد و او از این امر خودداری نمی‌کرد. هنگامی که محمد ﷺ به حق برانگیخته شد تمامی ازدواج‌های جاهلی را از بین برد جز ازدواجی که امروز مردم انجام می‌دهند. از این روی دانسته می‌شود که ازدواج متعه از قبیل ﴿مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ﴾ [النساء: ۲۵] «گرفتن دوست پنهانی» است به گونه‌ای که زن در مدتی محدود به شخصی اختصاص داده می‌شود همانگونه که امروز بسیاری از زنان زناکاری که می‌خواهند خود را بیوشانند چنین می‌کنند و به همین دلیل الله متعال این سخنش را نازل فرمود: ﴿فَأَنْكِحُوهُنَّ بِأَذْنِ أَهْلِهِنَّ وَعَأْتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرٍ مُسْلَفِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ﴾ [النساء: ۲۵] «آنان را با اجازهٔ کسانشان به نکاح خود درآورید و مهرشان را به نحو شایسته‌ای بپردازید، در حالی که پاکدامن باشند، نه بی‌عفت و دوستانی برنگزینند». بنابراین، الله متعال مهریه را اجرت و اجر نامید چنانکه می‌فرماید: ﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ﴾ [المائدة: ۵] «و [نیز ازدواج با] زنان پارسای مؤمن و زنان پارسایی که قبل از شما اهل کتاب بودند [بر شما حلال است]، در صورتی که مهرشان را بپردازید». و در داستان موسی ﷺ شعیب چنین می‌گوید: ﴿إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ إِحْدَى أَبْنَتَيَّ هَتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَنِي حَبْجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ﴾ [القصص: ۲۷] «می‌خواهم یکی از دو دخترم را به همسری تو درآورم، بر این [شرط] که هشت سال در استخدام من باشی؛ و اگر ده سال ادامه دهی، به اختیار توست». پس شعیب دخترش را در برابر چوپانی گوسفندانش به مدت هشت سال و سپس کامل شدن ده سال، به ازدواج وی در آورد.

بنابراین در شریعت اسلامی ازدواجی مباح، جز ازدواج با همسر یا کنیز وجود ندارد و هرکس در پی ازدواجی دیگر باشد متجاوز است. یعنی: کسانی که در پی ازدواجی موقت به مدت یک یا دو روز هستند به حدود الهی تجاوز کرده و حرام‌های او را حلال دانسته‌اند.

سپس صاحب این مقاله نظر کسانی که استمناء با دست را جایز می‌دانند رد می‌کند و منظور او شیخ یوسف قرضاوی است که در کتابش حلال و حرام به این موضوع اشاره کرده است و گفته در هنگام ضرورت استمناء جایز است و این گفته او نظر جدید یا گفته باطلی نیست.

زیرا جایز است برای نجات از ارتکاب زیان بزرگ‌تر، به زیان کوچک‌تر دست زد، اگر راه دیگری نباشد، و این کار در مذهب حنبلی جایز است چنانکه در کتاب اقناع بیان شده کسی که با دستش استمناء کند تعزیر نمی‌شود زیرا اختلاف درباره آن قوی است و قولی که می‌گوید حرام است ضعیف است.<sup>۱</sup>

همچنین شیخ الإسلام ابن تیمیه گفته است: فرزندان مهاجرین و انصار در نبردهای دراز مدت، خودشان را بوسیله استمناء با دست، راحت می‌کردند و استمناء امری مشخص است و نکاح نامیده نمی‌شود، چرا که خارج کردن منی و ریختن آن بر خاک یا بستر آسان‌تر از گذاشتن آن در شرمگاه حرام است. و شیخ الإسلام ابن تیمیه در فتوهایش می‌گوید: اگر شخصی ناچار به استمناء با دستش شود مانند اینکه بترسد اگر استمناء نکند در زنا می‌افتد یا بترسد که بیمار شود، در این باره دو قول مشهور وجود دارد و گروهی از سلف و خلف در این حالت اجازه این کار را داده‌اند.<sup>۲</sup>

۱- صاحب کتاب اقناع در باب تعزیر از کتاب حدود، جلد سوم، این را ذکر کرده است.

۲- مسئله ۳۸ ص ۶۲ از جلد اول فتاوی ابن تیمیه

سپس می‌بینیم که بزرگان و رؤسای شیعه از متعه خودداری می‌کنند و نشنیده‌ایم که ثروتمند یا فقیری دخترش را برای یک یا دو روز یا یک هفته و یک ماه به نام ازدواج متعه در اختیار مرد دیگری قرار دهد. و آن‌ها با این کارشان در واقع از این عمل خودداری کرده و به خاطر پست بودن این کار خود را در آن نمی‌اندازند چرا که ازدواجی فاسد است که تبدیل به لذت جویی می‌شود و حتی جرم زنا در بین آن‌ها اندک است.

ازدواج متعه غیر از برآورده کردن شهوت، سودی ندارد بر خلاف ازدواج دائم شرعی که فواید و مصالح بسیاری را در بر دارد از جمله حفظ پاکدامنی همسر و خود. و هرگاه مرد در کنار همسرش دوست نامشروعی بگیرد نظام ازدواج شرعی را به تباهی کشانده و همسرش را خشمگین می‌سازد.

از دیگر منافع ازدواج شرعی این است که الله همسر را سبب آرامش قرار داده است بنابراین مرد با زنش و زن با شوهرش آرام گرفته و به او انس می‌گیرد. خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۲۱﴾﴾ [الروم: ۲۱] «و از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنارشان آرام گیرید و بین شما دوستی و مهربانی پدید آورد؛ و در این [امور] برای اندیشمندان نشانه‌هایی است».

بنابراین مرد، آرامش زنش است و زن در کنارش آرامش گرفته و آسوده می‌گردد در نتیجه برای شوهرش انس و شادمانی و سرور به ارمغان می‌آورد، در غم و اندوه او شریک شده و مرد با وجود همسرش بسان پادشاه و سرور می‌شود و چه بیچاره است مردی که زن ندارد و بی‌زن‌ها زنده‌های پست و مردگان بد هستند. همچنین مرد برای زنش بزرگی و نعمت است و ضعف او را جبران نموده و تنهایی‌اش را از بین برده و در بر آورده ساختن

نیازها و خرجی او تلاش می‌کند و زن را بانوی خانه و خوشبخت قوم و مادر پسران و دختران می‌سازد.

از دیگر فواید ازدواج شرعی این است که الله زن را محل کشت و زرع نامیده است، کسی که زمینه ازدیاد نسل را که شریعت آن را نیکو دانسته است، فراهم می‌آورد. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «تَزَوَّجُوا الْوُلُودَ، الْوُدُودَ فَإِنِّي مُكَاتِرٌ بِكُمْ»<sup>۱</sup> یعنی: با زن فرزندزا و دوست‌داشتنی ازدواج کنید زیرا من (در قیامت) به فراوانی شما افتخار می‌کنم.

این ویژگی‌ها در ازدواج متعه که هدفش قضای شهوت و نه چیزی دیگری است، وجود ندارد و به همین دلیل پیامبر ﷺ فرمان داده که ازدواج علنی شده و دیگران از آن باخبر شوند زیرا کاری شرافتمندانه است. می‌فرماید: «أَعْلِنُوا النِّكَاحَ»<sup>۲</sup> یعنی: ازدواج را اعلام کنید. و فرموده: «فَصُلِّ مَا بَيْنَ الْحَرَامِ وَالْحَلَالِ الدُّفُّ» یعنی: مرز میان حلال و حرام، زدن دف (سماع) است. زیرا کسانی که ازدواج حرام انجام می‌دهند در مخفی نمودن و عدم آشکار سازی آن بسیار تلاش می‌کند.

هدف از ازدواج متعه تنوع طلبی و لذت جویی است، بدون اینکه مرد و زن رغبتی به بچه‌دار شدن داشته باشند، بلکه یکی از اسباب از بین رفتن نسل است زیرا زمانی که زن به صورت مداوم با مردهای مختلف باشد به گونه‌ای که یک ماه نزد این و ماهی دیگر نزد آن، نظم بارداری به خاطر اختلاط آب‌ها در رحم بهم می‌خورد و زن به این روش مانند زنان بی‌بند و بار می‌شود.

۱- نسائی به روایت معقل بن یسار

۲- امام احمد به روایت عبدالله بن زبیر

در مذهب زیدیه: چنین است که ازدواج باید دائمی باشد و ازدواج متعه یا ازدواجی که زمان آن مجهول بوده یا تعیین شده باشد، مانند چهل و پنج روز یا بیشتر، نزد آنها جایز نیست، زیرا زید بن علی از پدرش از جدش از علی - علیه السلام - روایت کرده که گفت: همانا رسول الله صلی الله علیه و آله در سالی که خیبر فتح شد متعه را منع نمود.

امام بخاری و امام مسلم و مؤید بالله در شرح تجرید و دیگران از طریق مالک از ابن شهاب از عبدالله و حسن، دو پسر محمد بن علی از پدرشان از علی بن ابی طالب روایت کرده‌اند که گفت: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْمُتْعَةِ عَامَ خَيْبَرَ، وَعَنْ حُومِ حُمْرِ الْإِنْسِيَّةِ»<sup>۱</sup> یعنی: رسول الله صلی الله علیه و آله در فتح خیبر متعه زنان و گوشت الاغ را نهی نمود.

بیهقی از طریق عبدالله بن لهیعه، از موسی بن ایوب، از ایاس بن عامر، از علی بن ابی طالب رضی الله عنه تخریج کرده است که گفت: «رسول الله صلی الله علیه و آله متعه را منع نمود. علی رضی الله عنه گفت: متعه برای کسی بود که زنی نمی‌یافت پس هنگامی که ازدواج و طلاق و عده و ارث بردن زن و شوهر از یکدیگر نازل گشت، (متعه) نسخ شد.»

همچنین بیهقی روایت کرده که مردی از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما درباره متعه پرسید، پس او گفت: حرام است. گفت: همانا فلانی آن را روا می‌داند. ابن عمر گفت: به خدا سوگند که او می‌داند رسول الله صلی الله علیه و آله آن را در روز خیبر حرام نمود و ما بدکار نبوده‌ایم. این روایت نشان دهنده تحریم متعه است.

۱- دارمی و ابن ابی شیبه از علی رضی الله عنه روایت کرده‌اند



شیعه برای انجام ازدواج متعه به این سخن خداوند متعال استدلال می‌کنند که فرمود: ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَكَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً﴾ [النساء: ۲۴] «و چون به نکاح از آنان بهره‌مند شدید، مهرشان را به عنوان فریضه‌ای بپردازید».

این استدلال درست نیست، زیرا موضوع آیه درباره زنانی است که ازدواج با آن‌ها جایز یا ناجایز است و از آیات قبلی و بعدی آن می‌توان دریافت؛ و اینکه هدف از ازدواج حفظ کردن خود و ایجاد نسل است نه خوشگذرانی و ارضای شهوت و کارهایی که بهره حیوان در آن بیشتر از انسان است. از سویی دیگر، سنت، تفسیرگر قرآن و آشکار کننده معانی مشکل آن است و سنت نوع بهره‌مندی را بیان کرده و واضح ساخته که منظور ازدواج شرعی است.

امام بخاری و امام مسلم روایت کرده‌اند که پیامبر ﷺ فرمود: «الْمَرْأَةُ كَالضَّلْعِ، إِنْ أَقْمَتَهَا كَسَرْتَهَا وَإِنْ اسْتَمْتَعْتَ بِهَا اسْتَمْتَعْتَ بِهَا وَفِيهَا عَوْجٌ» یعنی: زن مانند استخوان پهلو است که اگر راستش کنی می‌شکند و اگر بخواهی از او بهره‌مند شوی باید با همان کجی از او بهره‌مند شوی. و در روایت امام مسلم آمده که شکستن آن طلاق دادنش است.

پس این حدیث همان چیزی را بیان می‌کند که آیه بیان کرده است و اینکه مراد از قول خداوند متعال: ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ﴾ «و چون به نکاح از آنان بهره‌مند شدید» ازدواج شرعی است که در صورت عدم توافق، طلاق آن را از بین می‌برد همانگونه که رسول الله ﷺ فرمود: «وکسرهما طلاقهما» (و شکستن آن طلاقش است) در حالی که ازدواج متعه طلاق و نفقه و میراث ندارد، بنابراین جایز است که مرد با ازدواج متعه زن را کرایه کند و در مسیر بی‌عفتی گام بر دارد همانگونه که مرد به انجام زنا در مدت

یک ماه با کرایه‌ای معلوم و به صورت اختصاصی و بدون مشارکت، با زن اتفاق می‌کند، و بعد از آن با شخص دیگری به همین صورت توافق می‌کند، با این تفاوت که زناکاران نام ازدواج متعه را نمی‌آورند. و به همین دلیل است که علی علیه السلام می‌فرمود: «لَا أُوتَى بَسْتَمْتَعِينَ إِلَّا رَجْمَهُمَا» کسانی که متعه کرده‌اند را اگر نزدم بیاورند حتماً آن‌ها را رجم می‌کنم.

سخن خداوند متعال: ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ﴾ یعنی: تمتعتم (بهره‌مند شدید) و زن «متاع» نامیده شده چنانکه امام احمد و دارمی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که فرمود: «الدُّنْيَا مَتَاعٌ، وَخَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا: الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ، الَّتِي تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا، وَتُطِيعُهُ إِذَا أَمَرَ، وَلَا تُخَالِفُهُ فِيمَا يَكْرَهُ فِي نَفْسِهَا، وَلَا فِي مَالِهِ» یعنی: دنیا متاع (بهره‌مند شدن و لذت است) است و بهترین خوشی دنیا زن نیکوکار است. زنی که هر گاه شوهرش به او بنگرد وی را شادمان سازد و اگر به او فرمانی دهد اطاعت کند و اگر نزد او نباشد در چیزی که وی در مورد جان و مالش نمی‌پسندد با او مخالفت نمی‌کند.

سپس اینکه ازدواج شرعی، دائمی و همیشگی است و با ازدواج متعه که یک روز یا یک هفته یا یک ماه است مخالف است زیرا ازدواج متعه هدفی جز برآورده ساختن شهوت ندارد، به گونه‌ای که تنها شهوت خویش را در شرمگاه زن ریخته و بیشتر و بیشتر در لذت‌ها فرو می‌رود و هرگاه از زنی لذت برد به سراغ دیگری می‌رود و با پایان آمیزش، محبتش به پایان می‌رسد، زیرا شخص متعه کننده هدفش حفظ پاکدامنی نیست و بلکه انجام

---

۱- قسمت اول روایت در صحیح مسلم است و قسمت دوم مربوط به روایتی دیگر است که در مسند امام احمد و غیره آمده است.

زنا و تنوع طلبی در شهوت‌ها است و به این ترتیب بر جنون زن افزوده می‌شود نه پاکدامنی او و نسبت به ازدواج شرعی بی‌میل می‌شود. از شرایط ازدواج شرعی تمایل به نگاه‌داشتن زن و حفظ پاکدامنی به وسیلهٔ او و ایجاد نسل است و اگر با این نیت با زنی ازدواج کند که پس از یک یا دو روز و یا یک هفته او را طلاق دهد یا اینکه نیت داشته باشد آن زن را برای شوهر اولش حلال کند، قطعاً این ازدواج باطل بوده و بسته نمی‌شود و زن برای شوهر اولش حلال نمی‌شود و «التیس المستعار» (بز نر اجاره‌ای) نامیده شده است.

از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده که گفت: «رسول الله ﷺ «محلل» (کسی که به قصد حلال کردن زن سه طلاقه برای شوهرش با او ازدواج می‌کند) و «محلل له» (کسی که زن سه طلاقه‌اش برای وی حلال کرده می‌شود) را لعنت کرده است». به روایت امام احمد و نسائی و ترمذی که این حدیث را صحیح دانسته است.

از جمله صفات مؤمنان که الله ﷻ از آن خبر داده این است: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿۲۹﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿۳۰﴾ فَمَنْ أَبْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿۳۱﴾﴾ [المعارج: ۲۹-۳۱]

«و آنان که شرمگاه‌های خود را نگه می‌دارند، مگر در برابر همسرانشان یا کنیزانی که در اختیارشان قرار گرفته است، که [در این صورت] مورد ملامت نخواهند بود؛ و آنان که فراتر از این را بخواهند، تجاوزگرند»؛ یعنی کسانی که از آنچه الله برایشان حلال کرده تجاوز نکرده و به سوی آنچه برایشان حرام نموده نمی‌روند.

متعه با زنان و کرایهٔ آن‌ها به مدت یک روز یا هفته و یا ماه از کارهای جاهلیت بوده است سپس در آغاز اسلام که مسلمانان در سختی و فقر بودند

به حالت مباح باقی مانده بود و هنگامی که خداوند در فتح خیبر یعنی سال شش هجرت مسلمانان را از نظر مالی توانمند ساخت، رسول الله ﷺ متعه را به فرمان الله برای همیشه و تا قیامت حرام نمود و فرمود: «إِنِّي قَدْ كُنْتُ أَذْنْتُ لَكُمْ فِي الْإِسْتِمْتَاعِ مِنَ النِّسَاءِ، وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ ذَلِكَ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ كَانَ عِنْدَهُ مِنْهُنَّ شَيْءٌ فَلْيُحَلِّ سَبِيلَهُ، وَلَا تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا»<sup>۱</sup> یعنی: من به شما درباره متعه با زنان اجازه داده بودم و همانا الله آن را تا قیامت حرام نمود پس هر کس نزد او چنین زنانی وجود دارد رهایش کند و آنچه به آن‌ها داده‌اید را بر ندارد.

بنابراین، ازدواج متعه در ابتدای اسلام همانند دوران جاهلیت مباح بود چرا که آن‌ها دچار فقر شدید و تنگدستی و گرسنگی و برهنگی بودند و گاهی در سفرهایشان خرمایی را میان خویش تقسیم می‌کردند و در بین آن‌ها هفتاد نفر یافت می‌شد که هیچیک تن پوش و لنگ را با هم نداشتند، لنگی داشتند و یا تن پوشی که به گردن‌هایشان گره زده بودند.

در صحیحین روایت شده که زنی نزد پیامبر ﷺ آمده و به او گفت: ای رسول خدا آمده‌ام تا خودم را به شما هدیه دهم. پس رسول الله ﷺ به وی نگریسته سپس نگاهش را برگرداند، سپس سرش را پایین انداخت. هنگامی که زن مشاهده کرد که وی چیزی نفرمود نشست. پس مردی برخاسته گفت: ای رسول خدا، اگر نیازی به او نداری، وی را به ازدواج من دریاور پس فرمود: آیا چیزی داری؟ گفت: نه به خدا سوگند. فرمود: نگاه کن حتی اگر انگشتی آهنین باشد» مرد گفت: به خدا سوگند انگشتی آهنین نیز ندارم. ولی این جامه را دارم و نیمی از آن برای او باشد. و چیزی جز جامه

بر وی نبود. رسول الله ﷺ فرمود: « با جامه‌ات چه می‌تواند بکند؟ اگر تو آن را بیوشی چیزی از آن به وی نمی‌رسد و اگر او آن را بیوشد چیزی از آن بر تو نخواهد بود، اما چیزی از قرآن با خود داری؟

گفت: بله، فلان و فلان سوره را می‌دانم. فرمود: «برو که تو را با مقدار قرآنی که با خود داری به ازدواج او در آوردم».

و این نشان می‌دهد که متعه با زنان در زمانه‌ای مباح شده بود که خوردن مردار مباح بود و این مفهوم فتوایی است که گفته شده ابن عباس رضی الله عنهما بدان فتوا داده است. با این وجود او معصوم نبوده و امام علی رضی الله عنه با تندی با وی سخن گفته و می‌گوید: نمی‌بینم که شرارت‌هایت را رها کرده باشی، مگر نمی‌دانی که رسول الله ﷺ آن را حرام کرده است؟!

همچنین سعید بن جبیر رضی الله عنه نزد او رفته و گفت: این چه فتوایی است که شنیده‌ام مردم درباره آن سخن می‌گویند؟

گفت: چه می‌گویند؟ گفت: می‌گویند که تو متعه با زنان را مباح کرده‌ای. و شنیده‌ام که شتر سواران بدان آواز سر می‌دهند. ابن عباس گفت: چه می‌گویند؟ گفتم: می‌گویند:

أقول للشيخ لما طال مجلسه      يا صاح هل لك في فتوى ابن عباس

هل لك في خصرة الأطراف آنسة      تكون مثواك حتى مصدر الناس

به پیرمرد آنگاه که ماندنش به درازا کشید می‌گویم: آیا به فتوای ابن عباس عمل نمی‌کنی، آیا دوشیزه‌ای زیبا نمی‌خواهی که تا هنگام حرکت مردم همدمت باشد.

پس ابن عباس رضی الله عنهما گفت: به خدا سوگند من گفتم که حرام است مانند حرمت مردار و خون و گوشت خوک.

و تأخیر در حرام شدن متعه تا فتح خیبر چیز تازه و عجیبی نیست چرا که برای حکمت و مصلحتی بوده است و الله متعال هرگاه بخواهد حکم جدیدش را آشکار می‌سازد و احکام از جمله امر و نهی و حلال و حرام یکی پس از دیگری و به تدریج بر پیامبر ﷺ نازل می‌شد همانگونه که در ابتدا برخی با برخی دیگر در نماز سخن می‌گفتند پس پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحَدِّثُ مِنْ أَمْرِهِ مَا يَشَاءُ وَإِنَّ مِمَّا أَحَدَّثَ أَنْ لَا تَكَلَّمُوا فِي الصَّلَاةِ»<sup>۱</sup>. یعنی: همانا الله هر فرمان جدیدی که اراده کند را آشکار می‌سازد و از جمله فرمان‌های جدید این است که در نماز سخن نگویند.

و خداوند سبحان فرموده: ﴿مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا﴾ [البقرة: ۱۰۶] «هر آیه‌ای را نسخ کنیم یا آن را [از ذهن‌ها] پاک نماییم، بهتر از آن یا همانندش را می‌آوریم». در ابتدای اسلام خوردن مشروب مباح بود و اولین آیه‌ای که برای آماده سازی تحریم آن نازل شد این سخن خداوند متعال بود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ﴾ [النساء: ۴۳] «ای ایمان آوردگان، در حال مستی به نماز نایستید، تا زمانی که بدانید چه می‌گویید» و پس از آن الله این آیه را نازل فرمود: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا﴾ [البقرة: ۲۱۹] «درباره می و قمار از تو می‌پرسند؛ بگو: در آن‌ها گناه بزرگی است و منافی [هم] برای مردم دارد، و [الی] گنااهش از نفعش بیشتر است»؛ و هرگاه گناه و زیان چیزی بیش از نفع آن باشد خودداری از آن واجب است؛ سپس الله متعال در سال نهم هجری این

۱- ابویعلی از عبدالله بن مسعود روایت می‌کند.

سخنش را نازل نمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْحَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَأَجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [المائدة: ۹۰] «ای ایمان آوردگان، می و قمار و بت‌ها و ابزار قرعه‌کشی [و بخت‌آزمایی] پلید و از کار[های] شیطان است؛ از آن‌ها دوری کنید، بسا که رستگار شوید». این آیه در سوره مائده وجود دارد که از آخرین سوره‌هایی است که نازل شد، بنابراین مسلمانان حلال آن را حلال و حرامش را حرام دانستند. و این تحریمی ابدی و همیشگی است که هر کس آن را حلال بداند کافر می‌شود. حتی صحابه رضی الله عنهم به خاطر کسانی که پیش از تحریم، شهید شدند و مشروب در شکم آن‌ها بود ناراحت بودند پس خداوند متعال این آیه را نازل نمود: ﴿لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ [المائدة: ۹۳] «بر مؤمنان نیکوکار در مورد آنچه [قبل از تحریم شراب] چشیده‌اند گناهی نیست، به شرطی که پروا پیشه و مؤمن و نیکوکار باشند».

زیرا قانون پس از ابلاغ الزام آور است و خداوند متعال فرموده است: ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا﴾ [الاسراء: ۱۵] «و ما [هیچ ملّت منحرفی را] مجازات نمی‌کنیم، تا اینکه [قبلاً] رسولی بر آنان برانگیزیم [و هشدار دهیم]». و مانند آن نماز خواندن صحابه به سوی مشرق می‌باشد، جایی که قبله یهود و مسیحیان است تا اینکه الله متعال این آیه را نازل نمود: ﴿قَدْ تَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ﴾ [البقرة: ۱۴۴] «توجه تو را به آسمان [به انتظار رسیدن وحی و فرمان تعیین قبله] می‌بینیم؛ اینک تو را به سوی قبله‌ای که دوست داری متوجه می‌سازیم. به سوی مسجدالحرام رو کن و [شما هم به هنگام نماز] هر جا که باشید، بدان سو متوجه شوید»؛ و مردی به سوی

گروهی از بنی عبدالأشهل رفت که به سوی مشرق در حال خواندن نماز صبح بودند پس گفت: الله را گواه می‌گیرم که الله بر فرستاده‌اش قرآنی نازل نمود و فرمان داد که به سوی مکه روی کنیم پس آن‌ها در حالی که در نماز بودند به سوی مکه چرخیدند.

قطعاً الله سبحانه هیچیک از محرمات مانند مشروب و قمار و متعه را حرام ننموده مگر اینکه زیانش آشکار و تباهی‌اش بیشتر است، و به همین دلیل علما بر کسی که متعه با زنان را حلال بداند حد جاری می‌کنند چرا که اجماع صحابه و تابعین و علمای دیگر مسلمان بر تحریم آن تا قیامت است و توجهی به تکروی شیعه در این زمینه نمی‌شود. و آنچه به صحابه مانند اُبی و ابن مسعود نسبت می‌دهند که آن‌ها در زمان پیامبر ﷺ متعه انجام داده‌اند - بر فرض صحت - پیش از تحریم بوده است و اگر نه، حاشا که آن‌ها پس از تحریم متعه توسط پیامبر ﷺ و اجماع صحابه بر حرام بودن آن با نصوص صحیح و صریح، چنین کرده باشند.

همچنین سخنی را به علی ؑ نسبت می‌دهند که گفته: اگر عمر متعه را ممنوع نمی‌کرد جز انسان بدبخت کسی زنا نمی‌کرد؛ و این دروغ و تهمتی آشکار بر علی و عمر رضی الله عنهما است به گواهی خود علی ؑ چرا که در صحیح بخاری دو حدیث از احادیثی که بیان می‌کند رسول الله ﷺ متعه و گوشت الاغ را در سال فتح خیبر حرام نمود را علی ؑ روایت کرده است و عمر ؑ از جانب خودش متعه را حرام نکرده، چنانکه دشمنانش می‌گویند.

بیهقی از طریق عبدالله بن لهیعه از موسی بن ایوب از ایاس بن عامر از علی ؑ روایت کرده که گفت: «رسول الله ﷺ متعه را منع نمود. علی ؑ گفت: متعه برای کسی بود که زنی نمی‌یافت پس هنگامی که ازدواج و



طلاق و عده و ارث بردن زن و شوهر از یکدیگر نازل گشت، (متعه) نسخ شد».

اما استناد شیعه به روایتی که امام مسلم از جابر بن عبدالله نقل کرده که گفت: «كُنَّا نَسْتَمْتِعُ بِالْقَبْضَةِ مِنَ التَّمْرِ، وَالذَّقِيقِ الْأَيَّامَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَأَبِي بَكْرٍ حَتَّى نَهَى عَنْهُ عُمَرُ». ما با یک مشت خرما و آرد در دوران رسول الله ﷺ و ابوبکر متعه می کردیم تا اینکه عمر منع نمود.

ادعای اینکه عمر متعه را حرام کرد قطعاً باطل است و نهی عمر بسان ابلاغ و اجرای حکم رسول الله ﷺ بوده چرا که این کار وظیفه او بوده است و پیامبر ﷺ فرموده: «فَلْيَلِغِ الشَّاهِدُ الْعَائِبَ فَرَبِّ مُبَلِّغٍ أَوْعَى مِنْ سَامِعٍ» یعنی: باید حاضر به غایب برساند که چه بسا کسی که (حدیث) به وی رسانده شده هوشیارتر از شنونده سخن باشد.

سپس آنجا که می گوید: ما در دوران رسول الله ﷺ و ابوبکر متعه می کردیم، مخالف با احادیث صحیحی است که امام بخاری و مسلم از علی و سلمة بن أکوع و ابن عمر - رضی الله عنهما روایت کرده اند و بعید نیست که این سخن به دروغ از جابر نقل شده باشد یا اینکه بعضی از راویان چیزی را به آن اضافه کرده باشند و روایت صحیح همان روایتی است که امام مسلم از ربیع بن سبرة از پدرش از پیامبر ﷺ روایت کرده که فرمود: «إِنِّي قَدْ كُنْتُ أَذِنْتُ لَكُمْ فِي الْإِسْتِمْتَاعِ مِنَ النِّسَاءِ، وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ ذَلِكَ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ كَانَ عِنْدَهُ مِنْهُنَّ شَيْءٌ فَلْيُخَلِّ سَبِيلَهُ، وَلَا تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا»<sup>۱</sup> یعنی: من به شما درباره متعه با زنان اجازه داده بودم و همانا الله آن را تا

قیامت حرام نمود پس هر کس نزد او چنین زانی وجود دارد رهایش کند و آنچه به آن‌ها داده‌اید را بر ندارید.

در این حدیث ناسخ و منسوخ ذکر شده است و اینکه حرام شدن متعه از سوی پیامبر ﷺ صادر شده نه از سوی عمر رضی الله عنه و ممنوع کردن وی رساندن امر و اجرای فرمان الله سبحانه و تعالی بوده است.

مانند آن حدیث ابن مسعود رضی الله عنه می‌باشد که صاحب مقاله به آن استناد کرده است و این حدیث در صحیحین است. ابن مسعود می‌گوید: «كُنَّا نَعْرُو مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَيْسَ لَنَا نِسَاءٌ، فَقُلْنَا: أَلَا نَسْتَخْصِي فَنَهَانَا، عَنْ ذَلِكَ، ثُمَّ رَخَّصَ لَنَا أَنْ نَنْكِحَ الْمَرْأَةَ بِالثَّوْبِ إِلَى أَجَلٍ، ثُمَّ قَرَأَ عَبْدُ اللَّهِ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرِمُوا طَبِيبَاتٍ مَّا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ [المائدة: ۸۷]» یعنی: ما همراه با رسول الله ﷺ در غزوه‌ها شرکت داشته و زنی نداشتیم پس گفتیم ای رسول خدا آیا خود را اخته نکنیم؟ پس ما را از این کار نهی فرمود سپس به ما اجازه داد که زنان را در عوض لباس تا زمان مشخص به ازدواج در آوریم. سپس ابن مسعود قرائت نمود: «ای ایمان آوردگان، نعمت‌های پاکیزه‌ای که خدا بر شما حلال کرده است، حرام تلقی نکنید و [از حد] تجاوز مکنید، که خدا متجاوزان را دوست ندارد».

عادت صاحب مقاله این است که به نسخ شده‌ای که حکم آن از بین رفته و عمل بدان باطل گشته استناد کند و ناسخی که محکم بوده و باید به آن عمل کرده و به موجب آن حکم نمود را رها کند.

ما مباح بودن متعه در آغاز اسلام را انکار نمی‌کنیم همانگونه که در دوران جاهلیت چنین بودند و در سفرهای طولانی زن را با لباس یا مثنی خرمای و آرد کرایه می‌کردند.

بنابراین ابن مسعود و جابر - بر فرض صحت حدیث‌هایشان - درباره وضعیت خویش به هنگام جاهلیت و پیش از تحریم متعه سخن گفته‌اند همانگونه که صحابه درباره خوردن مشروب پیش از آنکه حرام شود سخنانی دارند و همانگونه که نماز خواندن به سوی مشرق پیش از آنکه جهت قبله به سوی کعبه تغییر کند را بیان کرده‌اند و اینکه برخی در دوران پیامبر ﷺ در نماز با دوست خوی سخن می‌گفت تا اینکه الله متعال این آیه را نازل نمود:

﴿وَقَوْمُوا لِلَّهِ قَنِينِينَ﴾ [البقرة: ۲۳۸] یعنی همراه با سکوت. و پیامبر ﷺ به آن‌ها فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحَدِّثُ مِنْ أَمْرِهِ مَا يَشَاءُ وَإِنَّ مِمَّا أَحَدَّثَ أَنْ لَا تَكَلَّمُوا فِي الصَّلَاةِ»<sup>۱</sup> یعنی: همانا الله هر فرمان جدیدی که بخواهد را آشکار می‌سازد و از جمله فرمان‌های جدید این است که در نماز سخن نگویند.

زیرا احکام دین از جمله فرایض و محرمات یکی پس از دیگری نازل می‌شود و به آخرین سخنان و کردار و احکام پیامبر ﷺ عمل شده و ملاک هر کار خاتمه آن است و همه صحابه بر تحریم متعه مانند زنا اجماع داشته‌اند جز قولی که به ابن عباس رضی الله عنهما نسبت داده شده که وی متعه را برای شخص مضطر جایز دانسته است و با این وجود امام علی رضی الله عنه وی را ملامت کرده و به تندی او را مورد خطاب قرار داده و به وی گفته: تو شخصی سرگشته هستی؛ پس ابن عباس از فتوایش بازگشت. صحابه نیز مانند انسان‌های دیگر ممکن بود در فتوایشان اشتباه کنند.

صاحب «الروضة الندية»<sup>۲</sup> می‌گوید: درباره ازدواج متعه در «الحجه» می‌گوید: پیامبر ﷺ چند روز اجازه داد سپس از آن نهی فرمود. اما رخصت

۱- ابویعلی از عبدالله بن مسعود روایت می‌کند.

۲- امام صدیق بن حسن بن علی الحسینی القنوجی البخاری. بخش اول ص ۱۵.

به خاطر نیازی بود که وجود داشت، همانگونه که ابن عباس آن را برای کسی که به شهری می‌رود که اهل آن نیست ذکر کرده است. ابن عباس اشاره می‌کند که متعه در آن زمان کرایه کردن به خاطر لذت جویی نبوده است بلکه به خاطر نیازها از جمله ادارهٔ منزل بوده است، چرا که کرایه کردن برای لذت جویی، خروج از طبیعت انسانی است و زشتی و وقاحتی است که فطرت سالم آن را نمی‌پذیرد!

اما نهی از آن به خاطر این بوده که این نیاز در غالب اوقات از بین رفته است و همچنین رواج آن سبب اختلاط نسب می‌شود چرا که با تمام شدن مدت، زن از اختیار مرد خارج شده و امور به دست خودش قرار گرفته و معلوم نیست چه کار می‌کند؟

حتی در مورد ازدواج صحیح که بنای آن بر دایمی بودنش است ادارهٔ امور بسیار سخت است چه رسد به متعه و بی‌توجهی به ازدواج صحیح و معتبر در شرع، چرا که اکثر افرادی که به ازدواج رغبت دارند انگیزهٔ آن‌ها برآورده ساختن شهوت شرمگاه است. همچنین از اموری که می‌توان ازدواج را از زنا متمایز ساخت این است که ازدواج، زمینه سازی برای همکاری همیشگی است و اگر چه اصل در آن قطع درگیری و نزاع به صورت علنی است...».

و در شرح السنة آمده که علما بر حرام بودن متعه اتفاق نظر دارند و این مانند اجماع بین مسلمانان است ...



## نیاز به ازدواج از جمله ضرورت‌هایی نیست که امور ممنوع مانند زنا و متعه را مباح کند

گفته شده: زنِ آزاده گرسنگی می‌کشد ولی از بدن خویش نمی‌خورد و پستی را نمی‌پذیرد حتی اگر ناچار شود.

صاحب مقاله می‌گوید: «ازدواج متعه برای حالت ضرورت مباح شده و بیشتر جوانان به خاطر مشکلات از جمله مهریه و چیزهای دیگر، نمی‌توانند ازدواج شرعی بکنند در نتیجه وارد ضرورتی شده‌اند که ازدواج متعه را برایشان مباح نموده است مانند خوردن گوشت مردار و خون و گوشت خوک و نوشیدن جرعه‌ای خمر برای لقمه‌ای که در گلویشان گیر کرده است».

پاسخ این است که: این گفته به دور از حقیقت است.

در حدیث آمده که پیامبر ﷺ فرمود: «مَا نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَاجْتَنِبُوهُ، وَمَا أَمَرْتُكُمْ بِهِ فَافْعَلُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ». روایت امام بخاری و امام مسلم از ابوهریره. یعنی: از آنچه شما را منع کردم، خودداری کنید و آنچه شما را بدان فرمان دادم در حد توان انجام دهید.

در این حدیث پیامبر ﷺ تمامی امور نهی شده را از جمله چیزهایی قرار داد که خودداری از آن‌ها واجب است و برای ارتکاب آن عذری وجود ندارد، مانند ربا و زنا و خوردن مشروب؛ زیرا تحمل امور بر جسم سنگین نیست و مانند خوردن و نوشیدن نیست که بدن به آن محتاج باشد بلکه از اضافات است و ترک تمامی امور حرام از انجام آن سودمندتر است و فقط شخص نیاز به عزم و همت و نیرو دارد تا نفس را از انجام آن منصرف کند بر خلاف

دستورات که بر اساس توان است: نماز را ایستاده بخوان پس اگر نتوانستی نشسته بخوان و اگر نتوانستی به صورت خوابیده؛ زیرا الله سبحانه نفس را جز به اندازه توانایی اش مکلف نموده است.

بنابراین اگر کسی یکی از امور ممنوع یا حدود را انجام داد باید با اجرای حد یا تعزیر مناسبی که به اجتهاد قاضی بستگی دارد، مجازات شود ﴿وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ﴾ [النور: ۲] «در [اجرای] حکم خدا نسبت به آنان دستخوش رأفت نشوید»؛ زیرا آنکه خودش را احترام نکند به او احترام نمی‌شود ﴿وَمَنْ يَهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ﴾ [الحج: ۱۸] «و هر که را خدا خوار گرداند، گرامی دارنده‌ای نخواهد داشت». برای اینکه الله حدود را وسیله‌ای جهت بازداشتن از امور ممنوع مانند زنا و ازدواج متعه و غیره قرار داده است، بنابراین همانگونه که عذرِ ضرورت، در مورد کسی که زنا ی کبیره انجام داده پذیرفته نمی‌شود در مورد متعه که حرام و بسان زنا می‌باشد نیز اینچنین است.

اینکه برخی گفته‌اند: حرام بودن ازدواج متعه مانند حرام بودن مردار و خون و گوشت خوک است، این تعریف در چارچوب تحریم آن‌ها قرار نمی‌گیرد و در آن نوعی فریب و پوشش وجود دارد.

زیرا ازدواج متعه تا قیامت حرام شده است همانگونه که امام مسلم از ربیع بن سبرة از پدرش روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمود: «إِنِّي قَدْ كُنْتُ أَدْنْتُ لَكُمْ فِي الْإِسْتِمْتَاعِ مِنَ النِّسَاءِ، وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ ذَلِكَ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ كَانَ عِنْدَهُ مِنْهُنَّ شَيْءٌ فَلْيُحِلِّ سَبِيلَهُ، وَلَا تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا»<sup>۱</sup>. یعنی: من به شما درباره متعه با زنان اجازه داده بودم و

همانا الله آن را تا قیامت حرام نمود پس هر کس نزد او چنین زنانی وجود دارد رهایش کند و آنچه به آن‌ها داده‌اید را بر ندارید. پیامبر ﷺ این خطبه را در سال فتح مکه خواند. بنابراین این تعریف بسنده و کامل است همانگونه که دارقطنی از پیامبر ﷺ روایت نموده که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ فَرَائِضَ، فَلَا تُضَيِّعُوهَا، وَحَرَّمَ حُرْمَاتٍ، فَلَا تَنْتَهِكُوهَا، وَحَدَّ حُدُودًا، فَلَا تَعْتَدُوهَا، وَسَكَتَ عَنْ أَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ نِسْيَانٍ، فَلَا تَبْحَثُوا عَنْهَا» یعنی: همانا الله فرض‌هایی را قرار داده پس آن‌ها را تباہ نکنید و چیزهایی را حرام نموده پس آن را انجام ندهید و حدودی مشخص نموده پس به آن تجاوز نکنید و درباره چیزهایی سکوت نموده است بی‌آنکه فراموش کرده باشد پس در پی آن‌ها نباشید.

حرام بودن مردار و خون و گوشت خوک از حرام‌های ابدی تا روز قیامت نیست بلکه دارای مدتی هست که آن مدت وجود ضرورتی است که سبب مباح شدن آن‌ها باشد پس هرگاه که انسان دچار گرسنگی شدیدی شد که در شرف مرگ قرار گرفت خوردن مردار یا گوشت خوک به اندازه‌ای که رمق و توانش را به دست آورد برایش مباح می‌شود و اگر به خاطر نخوردن آن‌ها بمیرد گناهکار به شمار می‌رود. برخی از علما گفته‌اند: من بر شخصی که به خاطر گرسنگی مرده و از مردار نخورده است نماز نمی‌خوانم زیرا او خود را در از بین بردن نفسش یاری کرده است در حالی که باید نفس خویش را زنده نگه می‌داشت که هرکس نفسی را زنده کند گویی همه مردم را زنده کرده است.

و مانند آن مباح شدن خون به هنگام ضرورت است که امروزه برای پزشکان، یکی از بزرگ‌ترین وسایل و درمان برای حفظ سلامتی مجروحان و کسانی که داری زخم‌های عمیق هستند یا اینکه تیر خورده‌اند و خون از بدنشان خارج شده، گشته است و در حالت ضرورت بوسیله جریان آن در

جسم به درمان می‌پردازند تا شخص بیمار زندگی و سلامتی‌اش را به دست آورد چرا که اگر خون از بدن خارج شود جسم زنده نخواهد ماند، بر خلاف ازدواج متعه که ضرورتی برای آن وجود ندارد بلکه با ترک آن سلامتی افزایش می‌یابد. رسول الله ﷺ به مردی فرمود: «أقلل من النكاح فإنه نور عينك وقوة ساقيك» یعنی: از آمیزش بکاه چرا که سبب قوی شدن چشم و نیرومند شدن پاهایت است<sup>۱</sup>.

و گفته شده:

أقلل نكاحك ما استطعت فإنه ماء الحياة يصب في الأرحام

یعنی: تا می‌توانی از آمیزش بکاه چرا که این آب زندگی است که در رحم‌ها ریخته می‌شود.

اگر شهوت آمیزش که انسان در نفسش احساس می‌کند، ازدواج متعه را برای او مباح می‌ساخت گفته می‌شد که زنا برای ضرورت جایز است چرا که حکم هر دو یکی است، بلکه متعه از زنا بدتر است زیرا زناکاران کار خویش را مخفی می‌کنند ولی اهل متعه آشکارا به این کار دست می‌زنند.

یکی از افراد مورد اطمینان برایم گفته: به اصفهان رفتم پس زن‌های بسیاری را مشاهده کردم که در صف ایستاده و با صدای بلند مردان را صدا می‌زنند: متعه .. متعه !!!

هنگامی که در مذهب و عقیده آن‌ها کرایه زن برای یک یا دو روز و یک یا دو بار و با دختری که نه یا ده سال دارد بدون اجازه پدر و ولی او جایز

۱- چنین روایتی از پیامبر ﷺ ثابت نیست و در هیچ‌کدام از کتاب‌های معتبر حدیثی



است، دانستم که قطعاً این کار زنا است و هیچ ریز و درشتی از ویژگی‌های زنا نبوده مگر اینکه در خود گرد آورده است.

می‌ماند نام متعه، که می‌دانیم نامگذاری اشیاء از حقیقت و اوصاف آن چیزی نمی‌کاهد همانگونه که پیامبر ﷺ از مردمی خبر داده که مشروب می‌خورند و نامش را چیزی دیگری می‌نهند.

یکی از قاعده‌های اصولی این است که در عقد و پیمان‌ها اهداف و مفاهیم معتبر است نه الفاظ و مبانی آن‌ها.

بنابراین ادعای تاب و تحمل نداشتن حجتی سست است همانند کسی که گناهش را به گردن قضا و قدر می‌اندازد در حالی که قضا و قدر گناهی مرتکب نشده و آن‌ها گناهکارند. هنگامی که دزدی را نزد عمر بن خطاب ﷺ آوردند گفت: چه چیز تو را وادار به دزدی کرد؟ گفت: قضا و قدر الله مرا وادار نمود. عمر ﷺ گفت: و من با قضا و قدر الله دست تو را قطع می‌کنم پس فرمان داد و دستش را قطع کردند.<sup>۱</sup>

خداوند متعال اجرای حد را برای بازداشتن از ارتکاب جرم قرار داد و حدی که در زمین اجرا شود برای اهلیش بهتر از این است که چهل روز باران ببارد چرا که حدود از انتشار زشتی‌ها از جمله زنا و مشروب‌خواری می‌کاهد، و از هیچ کس ادعای وجود ضرورت و عدم شکیبایی به خاطر غلبه شهوت بر عقل، پذیرفته نیست که اگر چنین باشد امر به معروف و نهی از منکر که مدار احکام شریعت بر آن است، تباه می‌شود.

آیا می‌توان گفت که زنا در هنگام ضرورت برای کسی که تاب و تحمل دست کشیدن از آن را ندارد مباح است؟ در حالی که الله ﷻ فرموده:

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿۲۹﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ

۱ - رامهرمزی در المحدث الفاصل از عمرو روایت کرده است.

فَاتَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿۳۱﴾ فَمَنْ أَبْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿۳۲﴾ [المعارج: ۲۹-۳۱] «و کسانی که از شرمگاه‌های خویش محافظت می‌کنند، مگر در برابر همسرانشان یا کنیزانی که در اختیارشان قرار گرفته است، که [در این صورت] مورد ملامت نخواهند بود؛ و آنان که فراتر از این را بخواهند، تجاوزگرند».

خداوند متعال در این آیات هر کس که در پی ازدواجی غیر از ازدواج شرعی و ملک یمین باشد را از درگذرندگان از حدود الهی قرار داده است و ادعای عدم صبر در برابر شرب خمر نیز اینگونه است.

چگونه می‌توان خوردن مردار برای شخص درمانده‌ای که در خطر مرگ قرار دارد را با متعه قیاس کرد؟! در حالی که برخی از علما گفته‌اند اگر نخورد و بمیرد بر او نماز خوانده نمی‌شود، پس چگونه می‌توان چنین امری را، با ترک شهوت به آمیزش که احتمال مرگ برای شخص وجود ندارد، قیاس کرد. حتی برخی از اشخاص با وجود احساس شهوت، مجرد ماندن را ترجیح می‌دهند. قیاس آن با پایین بردن لقمه‌ای که در گلو گیر کرده، به وسیلهٔ جرعه‌ای مشروب نیز که شاید یک بار هم در دنیا اتفاق نیافتاده باشد به همین صورت است.

دیده‌ایم که برخی از علما این حجت را برای مباح بودن ربای نسیه در مورد درمانده‌ای به کار برده‌اند که مباح دانندهٔ ربا را کافر می‌شمارد، و بی‌شک این کار رخصتی سطحی و خشک است در حالی که نباید با رخصت‌های سطحی و یا سخت‌گیری‌های افراطی و یا ساختن دلیلی که پایبندی به حکم را سست می‌نماید، با احکام شریعت مخالفت نمود.

این در حالی است که پیامبر ﷺ ربا را در جایگاهی حرام نمود که همهٔ مردم حضور داشتند، در حجة الوداع و فرمود: «وَرَبَا الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعٌ، وَأَوَّلُ

رَبًّا أَضْعُ رَبَانَا رَبًّا عَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، فَإِنَّهُ مَوْضُوعٌ كَلْبٌ<sup>۱</sup> یعنی: و ربای جاهلیت باطل است و ولین ربا که آن را باطل می‌کنم ربای عباس بن عبدالمطلب است که همه آن باطل است.

پس ربا را به صورت کلی و بدون استثناء حرام اعلام نمود با وجود اینکه اکثر تجارشان بر اساس آن بود و قریش به تجارت‌های گسترده‌ای که در سفرهای تابستانه و زمستانه انجام می‌دادند و به خاطر گسترش داد و ستدهای ربوی در بین عرب مشهور بودند، و با آگاهی از اینکه بیشتر عرب در نیاز و فقر شدید به سر می‌بردند و در غزوهٔ عسره که اندکی پیش از حجة الوداع بود یک دانه خرما را به عنوان سهمیه میان خود تقسیم می‌کردند، و با این وجود رسول الله ﷺ انجام ربا برای شخص ناچار و درمانده را مباح نمود چرا که در عموم این سخنش قرار می‌گیرد که فرمود: «مَا نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَاجْتَبُوهُ» یعنی: از آنچه شما را منع کردم، خودداری کنید.

زیرا هرگاه که نیت شخص درست شده و عزم او راستین شود، رها کردن حرامی که به آن انس گرفته برایش آسان می‌شود چنانکه گفته شده:

والنفس كالطفل إن تهمله شب على حب الرضاع وإن تفضمه ينفطم

یعنی: نفس انسان مانند کودکی است که اگر رهایش کنی پیوسته شیرخواره می‌ماند و اگر او را از شیر بگیری، شیرخوارگی را رها می‌کند.

به همین دلیل صحابه رضی الله عنهم از داد و ستدهای ربوی دست کشیدند و یادی از آن میانشان باقی نماند؛ به خاطر اجرای فرمان الله و اطاعت از رسول او، و نگفتند که نمی‌توانیم رهایش کنیم؛ زیرا هر کس به خاطر الله چیزی را رها کند، الله در عوض به او بهترش را می‌دهد ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ

۱ - صحیح مسلم به روایت جابر بن عبدالله رضی الله عنه.

أَمْرَهُ يُسْرًا ﴿ [الطلاق: ۴] «و هرکه از خدا پروا کند، خدا در کارش آسانی پدید می آورد». ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿۱﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ﴿﴾ [الطلاق: ۲-۳] «و هرکه از خدا پروا کند، خدا برایش راه خروج [از دشواری‌ها] را می‌گشاید، و از جایی که گمان نمی‌برد، روزی‌اش عطا می‌کند».

آن‌ها به همین شکل از مشروبی که با آن خو گرفته و بر محبتش پرورش یافته بودند دست کشیدند و هنگامی که خبر تحریم آن رسید ظرف‌ها را از دستانشان می‌انداختند سپس به به بازار رفته و مشک‌های مشروب را با چاقو پاره کردند تا جایی که در کوچه‌ها جاری شده می‌گفتند: به خدا سوگند اگر به خاطر احترامت تو را نمی‌ریختم اما امروز الله تو را خوار نمود ﴿وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ ﴿ [الحج: ۱۸] «و هرکه را خدا خوار گرداند، گرامی دارنده‌ای نخواهد داشت» و نگفتند: نمی‌توانیم ترکش کنیم و با ادعای ضرورت از آن شانه خالی نکردند، و دربارهٔ ازدواج متعه نیز همین‌گونه است.

عرب در زمان جاهلیت زن را در عوض لباس و مقداری شیر خشکیده و جو کرایه می‌کردند و هنگامی که خبر حرام شدن آن به گوششان رسید و پیامبر ﷺ برایشان سخن رانده و فرمود: «إِنِّي قَدْ كُنْتُ أَذْنُ لَكُمْ فِي الْإِسْتِمْتَاعِ مِنَ النِّسَاءِ، وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ ذَلِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ كَانَ عِنْدَهُ مِنْهُنَّ شَيْءٌ فَلْيُحَلِّ سَبِيلَهُ، وَلَا تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا<sup>۱</sup>» یعنی: من به شما دربارهٔ متعه با زنان اجازه داده بودم و همانا الله آن را تا قیامت حرام نمود پس هر کس نزد او چنین زنانی وجود دارد رهایش کند و آنچه به آن‌ها داده‌اید را بر ندارید.

همگی از آن دست کشیدند، ثروتمند و فقیر، زیرا از جمله چیزهایی بود که تا قیامت و برای همیشه حرام گشته بود چنانکه لفظ حدیث بیانگر آن است. از سویی دیگر ازدواج از اموری است که برخی از مردم سال‌های دراز با وجود مردانگی و قدرت شهوتشان در برابر آن صبر می‌کنند بویژه رؤسا و مجاهدان و کسانی که به علم و تجارت و صنعت مشغول هستند، آن‌ها به صورت کلی از آن دست می‌کشند بدون اینکه احساس سختی کنند و گاهی دو یا سه سال از خانواده دور می‌مانند و ولی از مجرد بودن احساس سختی نمی‌کنند و خود من از کسانی بودم که برای طلب علم چهار سال از خانواده دور بودم ولی مشقتی به خاطر غربت و مجرد بودن احساس نکردم زیرا مشغول به علم و اعمال دینی و مالی بودم که نیازمند به صرف کامل وقت بود تا جایی که گفته می‌شود:

قوم إذا حاربوا شدوا مآزرهم عن النساء ولو باتت بأطهار  
مردمی که هرگاه به جنگ می‌پردازند با زنان آمیزش نمی‌کنند حتی اگر  
زنانشان در حالت پاکی باشند.

قطعا کسانی که به همنشینی با زنان و ماندن در میان آن‌ها اشتیاق فراوان دارند، افرادی بیکار و عاطل هستند، کسانی که نه کار دین می‌کنند و نه کار دنیا، افراد هوسرانی هستند که از این لذت به سوی بعدی در حرکتند و چیزی اشتهای آنان را سیر نمی‌کند تا جایی که گفته شده: اگر تمامی زنان عراق با مردی باشند و زنی از شام آمده و از زیبایی او برایش گفته شود آرزو می‌کند که او نیز همسرش باشد به اضافه زنان عراق. و گفته شده:

لا یشبع النفس حین تحرزه ولا یزال لهافی غیره وطر  
ولا تزال وإن کانت بها سعة لها إلى الشيء لم تظفر به نظر

نفس را اگر برخوردار کنی سیر نمی‌شود و پیوسته در پی لذت‌های دیگر است. و همواره اگر چه در فراخی باشد نگاهش به چیزی است که به دست نیاورده است.

اما کسی که به زندگی‌اش راضی باشد، بهره مند می‌شود و کسی که به خاطر لذت در پی جمع‌آوری زنان باشد دچار زیان می‌شود.

مشاهده می‌کنیم که شعرای عرب مانند امرئ القیس و زهیر و عمر بن أبی ربیع و افراد بسیار دیگری که در مدح و وصف زنان و ذکر زیبایی‌های آنها با دقت فراوان، زیاده روی کرده‌اند به ویژه هنگامی که می‌خواستند قصیده‌ای را به شخصی بزرگ تقدیم کنند، همانگونه که زهیر قصیده‌اش را به معشوقش سعاد تقدیم کرد، زیرا نزد آنها هر چه مدح و تعریف دربارهٔ زیباروی بهتر بود نسیبشان بیشتر می‌شد، بنابراین در وصف‌هایی که شامل راست و دروغ بود مبالغه می‌کردند تا جایی که گفته شده: هرچه دروغش بیشتر باشد گوارا تر است. همهٔ این‌ها به خاطر غلبهٔ بیکاری و اختلاط فراوان با زنان در بادیه هنگام جاهلیت بوده است.

البته عشق آنها در زبانشان به تصویر کشیده می‌شد چرا که به پاکدامنی و عفت مشهور بودند و در داستان بیعت پیامبر ﷺ با زنان هنگامی که فرمود: «تُبَايَعَنَّ عَلَيَّ أَنْ لَا تُشْرِكَنَّ بِاللَّهِ شَيْئًا، وَلَا تَسْرِقَنَّ، وَلَا تَزْنِينَ»<sup>۱</sup>. یعنی: بیعت می‌کنید بر اینکه با الله چیزی را شریک قرار ندهید و دزدی و زنا نکنید. پس هند گفت: مگر زن آزاد هم زنا می‌کند ای رسول خدا؟! این برایش عجیب بود زیرا زنا در میان کنیزان انجام می‌شد.

در اینجا نمی‌خواهیم نیاز شدید مرد به زن و ضروری بودن آن از نظر جنسی یا اجتماعی را انکار کنیم؛ ولی شایسته نیست این نیاز ضروری به

۱ - مسند امام احمد به روایت ام عطیه انصاریه رضی الله عنها.

درجهٔ حلال کردن حرام‌ها از جمله زنا و ازدواج متعه برسد زیرا این نیاز از جمله لذتها و نعمت‌های زندگی است و الله متعال می‌فرماید: ﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ﴾ [ال عمران: ۱۴] «عشق به تمایلات نفس، در مورد زن در نظر مردم آراسته شده است» و زینت دهنده، الله است و پیامبر ﷺ فرموده: ﴿إِنَّمَا حُبُّ ابْنِيٍّ مِنْ دُنْيَاكُمْ النِّسَاءِ وَالطَّيِّبُ﴾<sup>۱</sup>. یعنی: از دنیای شما زنان و خوشبویی برایم محبوب قرار داده شده است.

در برخی از کتابچه‌هایم دربارهٔ نیاز شدید و احتیاج مرد به زن سخن گفتیم، آنجا که الله - سبحانه و تعالی - می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ [الروم: ۲۱] «و از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنارشان آرام گیرید و بین شما دوستی و مهربانی پدید آورد».

گفتیم که زن آرامش شوهر است و انس و شادمانی و سرور به ارمغان می‌آورد، در غم و اندوه او شریک شده و مرد با وجود همسرش بسان پادشاه و سرور می‌شود و چه بیچاره است مردی که زن ندارد و بی‌زن‌ها زنده‌های پست و مردگان بد هستند. همچنین مرد برای زنش بزرگی و نعمت است و ضعف او را جبران نموده و تنهایی‌اش را از بین برده و در بر آورده ساختن نیازها و خرجی او تلاش می‌کند و زن را سرور خانه و خوشبخت قوم و مادر پسران و دختران می‌سازد. و این ویژگی‌ها در زنی که متعه کرده باشد وجود ندارد چرا که همسر نیست.

زمانی که زنی نزد عمر بن خطاب آمده و دربارهٔ نزاعی که داشته با وی به جدال پرداخت این شعر را برایش سرود:

۱ - بیهقی آن را از حدیث انس بن مالک ﷺ تخریج کرده است.

إِنَّ النِّسَاءَ شَيَاطِينَ خَلَقْنَا لَنَا نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ  
 زنان شیطان‌هایی هستند که برایمان آفریده شده‌اند، به خدا از شر  
 شیطان‌ها پناه می‌بریم.<sup>۱</sup>

آن زن گفت: اینگونه نیست بلکه شاعر می‌گوید:

إِنَّ النِّسَاءَ رِيَّاحِينَ خَلَقْنَا لَكُمْ وَكَلَّمَكُمْ يَشْتَهِي شَمَّ الرِّيَّاحِينَ  
 زن‌ها گل‌های خوشبویی هستند که برای شما آفریده شده‌اند و همه شما  
 بوییدن گل‌های خوشبو را دوست دارید.

سپس می‌بینیم که صاحب مقاله به سخنی استناد می‌کند که ادعا کرده  
 سخن ابن قیم در زاد المعاد است در حالی که دروغ است و ابن قیم با  
 قاطعیت حرام بودن متعه را اعلام کرده است.

ابن قیم در موضوع فتح مکه به تحریم متعه نیز اشاره‌ای کرده است.  
 می‌گوید: برخی از علما گفته‌اند: در روز خیبر حرام شده است و احادیث  
 علی رضی الله عنه در صحیح بخاری بیانگر این امر است.

و برخی گفته‌اند که در فتح مکه حرام شده است و او این قول را ترجیح  
 می‌دهد زیرا امام مسلم از سلمة بن اکوع رضی الله عنه روایت کرده که: «رَخَّصَ رَسُولُ  
 اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَامَ أُوطَاسٍ فِي الْمُتْعَةِ ثَلَاثًا، ثُمَّ نَهَى عَنْهَا». یعنی: رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در  
 فتح مکه سه بار در مورد متعه اجازه داد سپس از آن نهی فرمود.

سپس به موضوع اختلاف می‌پردازد و اینکه آیا حرام بودن آن مانند  
 تحریم مردار و گوشت خوک بوده؟ یا اینکه تحریم آن همیشگی و در اقامت و

---

۱- این گفته از قول عمر بن خطاب رضی الله عنه ثابت نیست و سبکی در طبقات الشافعية الكبرى بدون سند نقل کرده که امام شافعی زنی را دید و این شعر را خواند اما شاعر واقعی این بیت معلوم نیست و سندی وجود ندارد.



سفر می‌باشد؟ و که دومی صحیح است و دلیل آن حدیث ربیع بن سبرة از پدرش است که پیامبر ﷺ «إِنِّي قَدْ كُنْتُ أَذْنُتُ لَكُمْ فِي الْإِسْتِمْتَاعِ مِنَ النِّسَاءِ، وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ ذَلِكَ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>۱</sup> یعنی: من به شما درباره متعه با زنان اجازه داده بودم و همانا الله آن را تا قیامت حرام نمود.

سپس ابن قیم رحمته می‌گوید: «رسول الله ﷺ در آن هنگام به خاطر ضرورت و نیاز در نبرد، اجازه فرمودند و کسی که در محل اقامت با وجود فراوانی زنان و امکان ازدواج شرعی چنین اجازه‌ای بدهد، در واقع از حد تجاوز کرده و الله متجاوزان را دوست ندارد».

بنابراین نصوص صحیح و صریح ادعای کسی که می‌گوید تحریم متعه در زمان عمر و بر اساس اجتهاد وی صورت گرفته و صحابه به خاطر هیبت عمر درخواستش را پذیرفته‌اند، را رد می‌کند و تمامی این حرف‌ها، دروغ بستن بر الله عز و جل و پیامبرش صلی و آله و سلم و عمر بن خطاب رضی الله عنه می‌باشد.

همچنین سند صحیح و حتی حسن درباره این گفته را ندیدیم بلکه نوعی تهمت و دروغ علیه عمر است چرا که شیعیان با عمر رضی الله عنه دشمنی شدیدی دارند و به همین دلیل قول تحریم متعه را به شدت انکار می‌کنند، با وجود اینکه نصوص آشکارا و اجماع عمومی این تحریم را تأیید می‌کند و توجهی به شذوذ مخالفان نمی‌شود.

اما نهی عمر رضی الله عنه از حج تمتع دارای اصل است و در صحاح وارد شده و نظر شخصی او بوده است. و رأی و نظر گاهی درست و گاهی نادرست می‌شود و صحابه معصوم نبوده‌اند. نظر او چنین بوده که حج و عمره باید به صورت مفرد یعنی جداگانه انجام شوند، ولی صحابه با او مخالفت کردند و

رسول الله ﷺ در حجة الوداع حج تمتع انجام داد و پس از آن، چیزی این عمل را منسوخ نکرد و تا الان به آن عمل می‌شود.

روش تمتع این است که شخص در ابتدا به عمره احرام می‌بندد، پس هنگامی که طواف و سعی عمره را انجام داد موهائیش را کوتاه می‌کند سپس لباسش را می‌پوشد و از آنچه برایش مباح است مانند خوشبویی و زنان و چیزهای دیگر بهره‌مند می‌شود و از چیزهای ممنوعی که پیش از احرام نیز ممنوع بودند خودداری می‌کند پس هنگامی که روز هشتم ذی الحجه شد برای ادای حج احرام می‌بندد.

این همان چیزی است که ابن عباس رضی الله عنهما هنگامی که عمر از حج تمتع نهی نمود - گفت: چیزی نمانده که از آسمان بر شما سنگ فرود آید، می‌گویم رسول الله فرمود و شما می‌گویید ابوبکر و عمر گفتند.

اما نهی از متعه با زنان را - بر فرض صحت آن - به قصد رساندن حکم و مشهور کردن آن به مردم گفته است تا اینکه شاهد به غایب برساند.

یکی از دروغ‌ها گفتاری است که به علی رضی الله عنه نسبت می‌دهند که گفته است: اگر عمر متعه را ممنوع نمی‌کرد جز انسان بدبخت، زنا نمی‌کرد<sup>۱</sup>. این گفتار درست نیست و امام علی از آن مبرا است و در صحیحین از دو طریق روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله متعه را در سال خیبر منع نمود و از سلمة بن اکوع روایت شده که گفت: «رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَامَ أَوْطَاسٍ فِي الْمُتَعَةِ ثَلَاثًا، ثُمَّ نَهَى عَنْهَا» رواه مسلم. یعنی: رسول الله صلی الله علیه و آله در فتح مکه سه بار در مورد متعه اجازه داد سپس از آن نهی فرمود.

۱ - کتاب جواهر الکلام فی شرائع الإسلام، تألیف شیخ محمد حسن محمد باقر نجفی.

و از علی علیه السلام روایت است که گفت: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنِ الْمُتَعَةِ عَامَّ حَيْبَرَ، وَعَنْ لُحُومِ حُمْرِ الْأَنْسِيَّةِ» یعنی: رسول الله ﷺ در فتح خیبر متعه زنان و گوشت الاغ را نهی نمود. به روایت امام بخاری و امام مسلم و نسائی و ترمذی و ابن ماجه و امام احمد و ابن حبان.

و از ربیع بن سبرة از پدرش از رسول الله ﷺ روایت کرده که فرمود: «إِنِّي قَدْ كُنْتُ أَذْنْتُ لَكُمْ فِي الْإِسْتِمْتَاعِ مِنَ النِّسَاءِ، وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ ذَلِكَ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ كَانَ عِنْدَهُ مِنْهُنَّ شَيْءٌ فَلْيُخَلِّ سَبِيلَهُ، وَلَا تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا»<sup>۱</sup> یعنی: من به شما درباره متعه با زنان اجازه داده بودم و همانا الله آن را تا قیامت حرام نمود پس هر کس نزد او چنین زنانی وجود دارد رهایش کند و آنچه به آنها داده‌اید را بر ندارید. روایت مسلم و ابوداود و نسائی و ترمذی و ابن ماجه و امام احمد و ابن حبان در صحیحش.

ابو محمد بن حزم، در «محلی»، بخش یازدهم می‌گوید: «نکاح متعه جایز نیست و آن نکاح مدت دار است و در دوران رسول الله ﷺ حلال بود، سپس الله متعال بر زبان رسولش ﷺ به صورت قطعی آن را تا قیامت حرام نمود».

سپس بعد از بیان اختلاف صحابه در ابتدای تحریم آن می‌گوید: «برای حرام بودن آن به یک دلیل اکتفا می‌کنیم و آن خبر ثابتی است که از طریق عبدالرزاق از معمر از عبدالعزیز بن عمر بن عبدالعزیز از ربیع بن سبرة جهنی، روایت کرده‌ایم که گفت: با رسول الله ﷺ خارج شدیم. و حدیث را ذکر می‌کند. و در آن آمده: پس گفت: شنیدم که رسول الله ﷺ بر منبر خطبه خوانده و می‌گفت: «مَنْ كَانَ تَزْوَجَ امْرَأَةً إِلَى أَجَلٍ فَلْيُعْطِهَا مَا سَمَى

لَهَا، وَلَا يَسْتَرْجِعُ مِمَّا أَعْطَاهَا شَيْئًا، وَيُفَارِقُهَا، فَإِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - قَدْ حَرَّمَهَا عَلَيْكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» یعنی: هر کس با زنی تا مدت مشخصی ازدواج کرده پس آنچه برایش نام برده به او بدهد و چیزی از آنچه به وی عطا کرده را پس نگیرد و از او جدا شود که همانا الله ﷻ آن را برای شما تا قیامت حرام نموده است.

ابو محمد می گوید: آنچه تا قیامت حرام شده باشد دیگر نسخ نمی شود. اینها نصوص صحیح و آرامش بخشی هستند که نسبت دهندگان این گفتار به علی علیه السلام: «اگر عمر متعه را ممنوع نکرده بود جز بدبخت زنا نمی کرد» را تکذیب می کند.

از حکمت الله در شریعت و آفرینش این است که هیچ دروازه ممنوعی را برای نفس نبسته مگر اینکه دروازه دیگری که مشروع است برایشان گشوده است، زیرا آنکه چیزی را به خاطر الله رها کند، الله در عوض آن چیز بهتری به او عطا می کند ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿٢٠﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ﴿٢١﴾﴾ [الطلاق: ۲-۳] «و هر که از خدا پروا کند، خدا برایش راه خروج [از دشواری ها] را می گشاید، و از جایی که گمان نمی برد، روزی اش عطا می کند». ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ﴿٤﴾﴾ [الطلاق: ۴] «و هر که از خدا پروا کند، خدا در کارش آسانی پدید می آورد».

به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه و آله به ازدواج شرعی تشویق نموده زیرا یکی از اسباب بی نیازی است و خداوند سبحان می فرماید: ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ وَسِعَ عَلِيمٌ ﴿٣٢﴾﴾ [النور: ۳۲] «وابستگان مجرد خود را همسر دهید و نیز مردان و کنیزانی که در اختیار شما هستند و شایستگی دارند؛ اگر نیازمند

باشند، خدا از افزون بخشی خود آن‌ها را بی‌نیاز خواهد کرد؛ و خدا فراخی بخش و داناست» چه بسیار فقیرانی که پس از ازدواج ثروتمند شده‌اند.

همچنین پیامبر ﷺ امتش را به گشودن دروازه‌های ازدواج و آسان‌سازی راه‌ها و اسباب آن تشویق نموده و می‌فرماید: «يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ، مَنِ اسْتَطَاعَ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ، فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصْرِ، وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ»<sup>۱</sup> یعنی: ای جوانان، هر آنکه توانایی ازدواج دارد باید ازدواج کند چرا که دیدگان را بیشتر فروهسته و از شرمگاه بیشتر محافظت می‌کند.

ولی نفرمود: کسی که نمی‌تواند ازدواج کند باید متعه انجام دهد.

و فرمود: «خَيْرُ الصَّدَاقِ أَيْسَرُهُ»<sup>۲</sup> یعنی بهترین مهریه کم‌ترین آن است. و بهترین ازدواج کم خرج‌ترین آن است. و اجازه دادند که مهریه زن دو کفش و یا وزن دانه‌ای طلا، یا انگشتری آهنین و یا آموزش یک یا دو سوره از قرآن باشد، و سبک کردن خرج‌های ولیمه عروسی و چیزهای دیگر نیز به همین صورت است. رسول الله ﷺ فرمود: «أَوْلَمٌ وَلَوْ بِشَاةٍ»<sup>۳</sup> یعنی ولیمه بده حتی اگر یک گوسفند باشد؛ و پیامبر ﷺ خودش دو مُد جو را ولیمه برخی از زناش قرار داد و برای ازدواج با هیچیک از همسرانش یا به ازدواج در آوردن دخترانش بیش از پانصد درهم تعیین نمود که اندازه آن کمتر از صد ریال است؛ بنابراین جز انسان بدبخت کسی با وجود این همه آسانگیری‌ها زنا

۱- متفق علیه. روایت ابن مسعود رضی الله عنه.

۲- ابوداود به روایت عقبه بن عامر رضی الله عنه.

۳- متفق علیه. روایت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه.

نمی‌کند و جز شخص بخیل کسی بالا بودن مهریه را از خواستگار درخواست نمی‌کند.<sup>۱</sup>

از سویی دیگر شیعیان برای اثبات نظرشان و فریب عوام و افراد کم عقل به چیزهایی استناد می‌کنند که بطلان آن آشکار است، آنان برای تأیید نظرشان هر حدیث ساختگی و اخبار منکر و دروغین که یافتند را می‌آورند از جمله این گفتار که: «قلت لأبي جعفر - رضي الله عنه - للمتع ثواب؟ قال: إن كان يريد بذلك وجه الله تعالى، وخلافاً على من أنكرها، لم تكلمها كلمة إلا كتب الله له بها جنة ولم يمد يده إليها إلا كتب الله له حسنة، فإذا دنا منها غفر الله له بذلك ذنباً، فإذا اغتسل غفر الله له بقدر ما مر من الماء على شعره. قلت: بعدد الشعر؟ قال: بعدد الشعر» یعنی: به ابو جعفر گفتیم: آیا متعه ثواب دارد؟ گفت: اگر خالصانه برای الله متعال و مخالفت با کسانی که آن را انکار می‌کنند باشد، سخنی با زن نمی‌گوید مگر اینکه الله به خاطر آن برایش بهشت را می‌نویسد، و دستش را به سوی او دراز نمی‌کند مگر اینکه الله برایش نیکی می‌نویسد پس هرگاه با او نزدیکی کرد الله به خاطر آن گناهش را می‌بخشد پس هنگامی که غسل نمود الله به اندازه آبی که به موهایش می‌رسد او را می‌آمرزد. گفتیم: به تعداد موها؟ گفت: به تعداد موها.

و سخنی را به پیامبر ﷺ نسبت می‌دهند که فرمود: «إني لما أسري بي إلى السماء لحقني جبريل عليه السلام، فقال يا محمد إن الله تبارك وتعالى يقول: إني غفرت للمتمتعين من أمتك من النساء». یعنی: هنگامی که شبانه به آسمان

۱- درباره مستحب بودن پایین بودن مهریه و جواز مشخص کردن آن کتابچه‌ای نوشته‌ام که می‌توانید به آن مراجعه کنید.

برده شدم جبریل علیه السلام به من ملحق شده گفت: ای محمد، همانا الله تبارک و تعالی می‌فرماید: من کسانی از امت تو را که زنان را متعه می‌کنند آمرزیدم.

ابو زهره در کتابش به نام موسوعة الفقه الإسلامی، جلد اول صفحه ۳، پس از ذکر گفتار کسانی که متعه را مباح می‌دانند می‌گوید: «و این مذهب و اعتقاد آن‌ها است و جمهورشان بر این نظر می‌باشند ولی در پس این اقوال برخی از علمای شیعه هستند که متعه را انکار کرده و به شدت آن را منع می‌کنند. زیرا تحریم متعه با نقلی صحیح از دو امام یعنی ابو جعفر محمد بن باقر و ابو عبدالله جعفر صادق روایت شده است: روایت کرده‌اند که بسام صیرفی از ابو عبدالله جعفر صادق درباره متعه و صفت آن پرسید، جعفر صادق علیه السلام گفت: همان زنا است و از جمله دوستی پنهانی است که الله در بسیاری از آیات قرآن نسبت به آن نهی نموده است مانند این سخن خداوند متعال: ﴿مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْلِفِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ﴾ [المائدة: ۵] «در حالی که خود پاکدامن باشید نه بی‌عفت، و نه اینکه [در نهان] دوست بگیرید»؛ و سخن خداوند متعال: ﴿مُحْصَنَاتٍ غَيْرٍ مُسْلِفَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ﴾ [النساء: ۲۵] «در حالی که پاکدامن باشند، نه بی‌عفت و دوستانی برنگزینند».

در کافی از حسن بن یحیی بن زید فقیه عراق آمده که گفت: آل رسول الله صلی الله علیه و آله بر کراهیت متعه و نهی از آن اجماع دارند. و کراهیت همراه با نهی به معنای تحریم است.

و بزرگترین امام شیعیان به اجماع، یعنی علی - کرم الله وجهه - به شدت متعه را نهی نموده و گفت: کسانی که متعه کرده‌اند نزد من آورده نمی‌شود مگر اینکه حتماً آن‌ها را سنگسار می‌کنم.

و اصول کافی که یکی از مصادر اربعه فقه نزد آنها است نهی از متعه را نقل کرده است. همچنین در کتاب زیدیه از امامان آل بیت به صورت عموم و امام جعفر صادق به صورت ویژه روایاتی را یافتیم که ثابت می‌کند وی متعه را زنا می‌دانسته است.

ولی این شخص قول مباح بودن متعه را به امام بخاری و امام مسلم و ابن قیم در زاد المعاد و ابن کثیر در البدایة و النهایة و دیگر کتابها نسبت داده تا مردم گمان کنند که آنها متعه را تا قیامت مباح دانسته‌اند و این دروغی آشکار بر آنهاست چرا که آنان نیز مانند دیگران بر حرام بودن متعه تا قیامت اجماع دارند.

**نتیجه:** متعه چیزی نیست جز گرفتن دوست پنهانی که از عادت‌های جاهلیت شناخته می‌شود و پیامبر ﷺ در ابتدای اسلام درباره آن سکوت نمود تا اینکه زمان مشخص شده برای اعلام تحریم آن فرا رسید یعنی فتح خیبر در سال ششم هجرت، و گفته شده سال فتح مکه. بدون شک متعه با اهداف اسلام یعنی رابطه میان مرد و زن که الله با فرمان خویش آن را حلال نموده، هماهنگی ندارد و امکان ندارد که الله با فرمان خویش گرفتن دوست دختر پنهانی را حلال بداند.

از طرف دیگر قرآن کریم که بر محمد ﷺ نازل شده هیچ کوچک و بزرگی را که مردم به آن نیاز دارند را فرو گذار نکرده و آیاتی واضح و قاطع آورده که جای هیچ نزاع و درگیری و اختلافی در آن باقی نگذاشته است.

قرآن کریم از مردی نادار و فقیر حکایت می‌کند که به شدت به زنان تمایل دارد و نمی‌تواند مهریه زنان آزاد را پردازد حال باید چه کند؟ آیا برایش حلال است که زنی را با کرایه‌ای اندک تا مدتی مشخص اجاره کند تا از او لذت ببرد یا نه؟ این همان موضوعی است که ما در پی آن هستیم.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ



الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّن فِتْيَتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ  
وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُم مِّن بَعْضٍ فَاَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ  
وَأَتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرٍ مُّسَفِّحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ

أُحْدَانٍ ﴿النساء: ۲۵﴾ «هرکه از شما توان مالی [لازم] برای ازدواج با زنان آزاد و مؤمن ندارد، با زنان باایمان از اسیران جنگی که [حیثاً] در اختیار دارید [ازدواج کند]؛ خدا به ایمان شما داناتر است؛ [و در آفرینش] همه از یک گوهرید؛ آنان را با اجازه کسانشان به نکاح خود درآورید و مهرشان را به نحو شایسته‌ای بپردازید، در حالی که پاکدامن باشند، نه بی‌عفت و دوستانی برنگزینند».

و نفرمود: کسی که مهریه ندارد باید با زنی با کرایه‌ای مشخص تا مدت زمان معین متعه کند ﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا﴾ اگر حلال بود قرآن درباره آن سکوت نمی‌کرد. و اگر قرار بود متعه مباح شود برای چنین شخص درمانده‌ای مباح می‌شد که توان پرداخت مهریه زنان آزاد را ندارد زیرا در حالت ضرورت قرار دارد و سخن برای بیان راه برون رفت از این ضرورت است؛ الله برای چنین شخصی مباح نمود که با کنیزی ازدواج کند با اینکه می‌داند فرزندانش نیز به خاطر مادرشان برده می‌شوند، اما اگر ثروتمند بوده و توان پرداخت مهریه زن آزاد را داشته باشد برایش جایز نیست با کنیز ازدواج کند زیرا با برده شدن فرزندان در واقع خود را خوار و ذلیل کرده است مگر اینکه آن کنیز در ملک خودش باشد.

این آیه زمانی نازل شد که برده فراوان بود و ازدواج با کنیز در چنین حالتی برای شخص نادار همان ازدواج شرعی بود و احکام ازدواج شرعی بر آن اجرا می‌شد.

بنابراین این آیه، ازدواج را به چهار نوع محدود می‌نماید که دوتای آن حلال و دوتای دیگر حرام می‌باشند که ازدواج حلال عبارت بود از ازدواج شرعی و دائمی که از جمله آن ازدواج شخص فقیر با کنیز می‌باشد.

دوم: ازدواج با کنیز خود.

اما ازدواج حرام عبارت است از: ازدواج فاحشه‌هایی که هر کسی با آن‌ها زنا می‌کند.

دوم: گرفتن دوستان پنهانی که تنها با دوستش زنا کرده و کسی را با وی شریک نمی‌کند؛ و علما ازدواج متعه را از قبیل گرفتن دوست پنهانی قرار داده‌اند و آیه‌ای که بیان شد مانند این سخن خداوند متعال است که می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَفِظُونَ﴾ [المعارج: ۲۹-۳۰] «کسانی که از شرم‌گاه‌های خویش محافظت می‌کنند، مگر در برابر همسرانشان یا کنیزانی که در اختیارشان قرار گرفته است، که [در این صورت] مورد ملامت نخواهند بود؛ و آنان که فراتر از این را بخواهند، تجاوزگرند».

زنی که به مدت یک روز یا یک هفته برای متعه اجاره می‌شود، نه در لغت و نه در عرف همسر نامیده نمی‌شود و احکام همسر شرعی از جمله ولی و گواه و نقه و طلاق و میراث بر آن اجرا نمی‌شود.

سخن پیامبر ﷺ که می‌فرماید: «يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ، مَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ، وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ لَهُ وِجَاءٌ» یعنی: ای گروه جوان، هر یک از شما توانایی ازدواج دارد باید ازدواج کند و آنکه نمی‌تواند باید روزه بگیرد زیرا شهوتش را کم می‌کند؛ نیز بیانگر همین آیه است.

و فرمود هر کس توانایی ازدواج ندارد زنی را با کرایه‌ای مشخص تا زمانی معلوم متعه کند، که اگر جایز بود بیان آن واجب بود و نباید آن را

پنهان می‌نمود چرا که تأخیر بیان از وقت نیاز، جایز نیست، زیرا فرمان به ازدواج متعه آسان‌تر از روزه‌ای است که بیشتر مردم و به ویژه جوانان توان آن را ندارند بنابراین نشان می‌دهد که متعه مباح نیست.

مباح بودن ازدواج با کنیزِ دیگران برای شخص فقیر نیز نشان دهندهٔ این است که متعه جایز نیست چرا که کنیز در هر زمان و مکانی وجود ندارد بویژه در این زمان که بردگی به صورت کلی باطل اعلام گشته و مردم همگی آزاد شده‌اند.

شایسته است که بدانیم، خداوند سبحان در کتابش و بر زبان پیامبرش حرامی از جمله ربا و زنا و مشروب‌خواری و ازدواج متعه را تحریم نفرمود مگر اینکه زیان آن‌ها آشکار بوده و تباهی و فساد آن بیشتر از فوایدش است. اگر ازدواج متعه که برای هر شخصی آسان است برای پسران و دختران جوان مباح شود به گونه‌ای که زن با بهایی اندک در مدتی کوتاه مانند یک روز یا یک هفته یا یک بار کرایه شود، اشخاص این را بر ازدواج و تحمل مشکلات و مسؤولیت‌های آن ترجیح خواهند داد.

و اگر این دروازه بر آن‌ها گشوده شود، از ازدواج شرعی رویگردان شده و زن ترجیح می‌دهد بدون شوهر و عاری از بارداری و مشکلات و مسؤولیت‌های آن باقی بماند. زیرا زن فاحشه تمایلی به بارداری و رغبتی به ازدواج دایمی و شرعی ندارد زیرا مسحور لذت‌های گوناگون شده است و مرد نیز ترجیح می‌دهد از این زن به سوی دیگری برود.

اینگونه است که نسل کاهش یافته یا از بین می‌رود و رسول الله ﷺ زنان و مردانی که در ازدواج تنوع طلب هستند را لعنت کرده است چرا که ضررهای آن همانند ضررهایی است که در فاحشه‌گری وجود دارد از جمله کاهش نسل و اختلاط نسب و دشمنی میان نسل‌ها.

به همین دلیل شیعیانی را که دیده‌ایم خود بیش از دیگران از این امر کناره‌گیری کرده و برایشان ناخوشایند است. نشنیده‌ایم که ثروتمند یا فقیر، شرافتمند یا حقیر، دخترش را برای یک هفته یا یک ماه با کرایه‌ای معلوم به نام ازدواج متعه در اختیار مرد دیگری قرار دهد. آن‌ها با این کارشان در واقع از شرف و احترام زنان خویش دفاع کرده و اجازه نمی‌دهند در چنین پستی‌ای سقوط کنند و حتی زنا در میان آن‌ها کمیاب است.

به همین دلیل است که الله ﷻ این آیه را چنین به پایان می‌رساند:

﴿يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنْنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦﴾ وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا ﴿٢٧﴾﴾ [النساء: ۲۶-۲۷] «خدا می‌خواهد [روش درست را] برای شما به روشنی بیان کند و سنت‌های [شایسته] پیشینیان را به شما بنمایاند و [به رحمت خویش] بر شما بازگردد، که خدا دانایی فرزانه است. خدا می‌خواهد [به رحمت خویش] بر شما بازگردد، و [الی] کسانی که پیرو شهواتند، می‌خواهند شما سخت منحرف شوید» والله بهتر می‌داند.



## جناب شیخ عبدالله بن زید آل محمد، رئیس دادگاههای

### شرعی و امور دینی کشور قطر

الله تبارک و تعالی را ستایش می‌گوییم که شما را همواره به نیکی و کردار نیک توفیق عطا می‌نماید و درود و سلام می‌فرستم بر فرستادهٔ امانت دار او، آن مبعوث شده و رحمت برای جهانیان و بر اهل بیت و یارانش و کسانی که بر هدایتش حرکت کرده و تا قیامت راهش را در پیش بگیرند.

اما بعد:

خوشحالم که، از نوشتهٔ شما - بطلان ازدواج متعه با دلایلی از قرآن و سنت - آگاهی یافتم و در مصادر آن جستجو نمودم. و برایم آشکار شد که هدف از این نوشتار: بیان حکم شریعت دربارهٔ ازدواج متعه است و به خاطر فتنه‌ای است که در عصر حاضر یکی از علمای شیعه با مباح اعلام کردن آن ایجاد کرده است و این موضوع به خاطر گرانی مهریه‌ها و بهران مسکن، در میان پسران و دختران جامعهٔ قطر و دیگر جوامع اسلامی طرفدارانی یافته است و یکی از عوامل ویرانی اساس جامعهٔ اسلامی است.

ارزشمندی این نوشتار آشکار است چرا که دروغ و فریبی که در بیان دلیل‌های مباح بودن متعه به آن استناد شده را بر ملا ساخته و با سخنان امامان خودشان و با دلایل قاطع از قرآن و سنت و اجماع اهل علم و صاحبان خرد، این نظر را ویران ساخته است.

از ویژگی‌های این نوشتار اسلوب علمی آرام و قانع‌کننده است که خردمندی مؤلف آن و پاکی قلب و اخلاص وی نسبت به اسلام را نشان می‌دهد و بیانگر این است که وی شبهه‌های گمراه‌کننده و منحرف را

پیگیری نموده و دارویی مؤثر با دلایل قاطع و مورد اطمینان به آن تقدیم می‌کند. پس الله به شیخ عبدالله بن زید به خاطر آنچه به اسلام تقدیم نموده پاداش خیر عطا کند و بوسیله او به امت اسلامی سود رساند و در عمر و عمل او برکت قرار داده و او را سودمند قرار دهد.

**دکتر فؤاد عبد المنعم احمد**

رئیس دادگاه سطح یک در اسکندریه

کارشناس پژوهش‌های اسلامی

به ریاست دادگاه‌های شرعی

۲۵ رجب ۱۴۰۰ هـ - ۸ ژوئن ۱۹۸۰ هـ